

دنیای پسته

ماهنامه انجمن پسته ایران
سال سوم - مهرماه ۹۷ - شماره ۳۰



تور بازدید اعضای انجمن از باغ های پسته
روستای تکتاشی - ترکیه - شهریور ۹۷



tooba

شرکت تولید نهال طوبی کرمان

دانش بنیان

پایه پسته کشت بافتی (UCB-1) EBR-1 از محصولات شرکت تولید نهال طوبی کرمان



جهت اطاع بیشتر به سایت زیر مراجعه نمایید:

WWW.TOOBACOMPANY.IR

INFO@TOOBACOMPANY.IR

تلفن : 034-33335487

09366655514

سریع رشد و پرمحصول در شرایط مطلوب

زمان پیوند مناسب تر نسبت به پایه بذری

مقاوم به بیماری های نماتد ، ورتیسیلوم ، فیتوفترا

آدرس: کرمان - کیلومتر ۵ جاده ماهان

دنیای پسته
سال سوم
مهرماه ۹۷ - شماره ۳۰

مدیرمسئول: حمید فیضی
سر دبیر: ابوالفضل زارع نظری
هیأت تحریریه:
بهار زندرضوی، سحر نخعی
و حجت حسنی
بازاریابی آگهی ها:
فاطمه السادات حسینی صفت
صفحه آرا: نرگس بامری

چاپ: کارمانیا
لیتوگرافی: کتیبه

انجمن پسته ایران:

تلفن: ۰۳۴-۲۲۴۷۵۷۴۹

نمابر: ۰۳۴-۲۲۴۷۸۵۵۳

نشانی: کرمان-بلوار جمهوری اسلامی
خیابان شهید لاری نجفی
(۲۰ متری نادر)
کوچه شماره ۲- پلاک ۱۲

کد پستی: ۷۶۱۹۶۴۳۱۴۹

سایت:

www.iranpistachio.org

پست الکترونیکی:

info@iranpistachio.org

انجمن پسته ایران در قبال
صحت و سقم ادعاهای مطرح شده
در آگهی ها، هیچگونه
مسئولیتی ندارد.
استفاده از مطالب
با ذکر مأخذ مجاز است.

انجمن

- ۴ تنظیم بازار داخل و مدیریت صادرات پسته از طریق مداخله دولتی
- ۶ تاریخچه پسته در ترکیه
- ۷ گزارش بازدید از پسته ترکیه
- ۱۲ بازدید از پسته ترکیه به روایت تصویر
- ۱۳ اعمال حد مجاز اکراتوکسین منوط به بررسی بیشتر شد

باغبانی

- ۱۴ تلفیق علم و تجربه
- ۱۷ کیفیت بالای محصول امسال آمریکا

بازرگانی

- ۱۸ علاقمندی بازار هند به پسته ایران
- ۲۱ حساسیت روزافزون بازار چین به کیفیت
- ۲۷ زمود پسته ایران

آب

- ۳۰ «چرا قوانین نقش بر آب می شوند؟»
- ۳۲ انداختن زنگوله به گردن گربه
- ۳۳ نقدی بر مقاله «با بحران آب چه کنیم؟»
- ۳۴ فلفل نبین چه ریزه

تنظیم بازار داخل و مدیریت صادرات پسته از طریق مداخله دولتی

دبیرخانه انجمن پسته ایران

■ تولید پسته خشک سال گذشته ایران ۲۲۵ هزار تن برآورد شد؛ حال آن که تولید سال جاری با توجه به خسارت بی‌سابقه ناشی از شرایط اقلیمی بهاره، ۵۵ هزار تن پیش‌بینی می‌شود. با توجه به خسارت بی‌سابقه امسال، غالب باغداران پسته کشور در نگهداری و تعمیرات سالانه مورد نیاز باغات پسته خود در سال محصولی پیش رو قطعاً با تنگنای مالی بی‌سابقه‌ای مواجه خواهند بود. هم اکنون دولت جهت جبران بخشی از خسارات وارده به کشاورزان، دستور استمهال سه ساله اقساط سررسید شده و ام‌های آنها را داده‌است. چگونه ممکن است عقل سلیم حکم کند در همان زمان که بخشی از دولت به فکر جبران خسارت بی‌سابقه وارد آمده به صنعت پسته کشور می‌باشد، بخش دیگری از دولت در صدد وضع مقرراتی باشد که منجر به کاهش شدید درآمد همان فعالان شود؟!

■ طبق برآوردها، بالغ بر یک میلیون نفر در بیش از ۱۵ استان کشور از صنعت پسته ارتزاق می‌کنند. هرگونه دخالت و اختلال در چرخه اقتصادی این محصول حتی بصورت موقت ضربات سنگینی بر پیکره تولید، تجارت و صنایع وابسته به آن خواهدزد و علاوه بر تبعات اقتصادی، تبعات اجتماعی بسیاری را نیز به همراه خواهد داشت.

قیمت

■ بطور معمول، حدود ۸۰ درصد تولید پسته ایران صادر و ۲۰ درصد آن در داخل مصرف می‌شود. با توجه به غلبه بازار صادراتی بر بازار داخل، قیمت پسته بر اساس قیمت آن در بازار جهانی تعیین می‌شود. بنابراین قیمت داخلی پسته همواره از حاصل ضرب قیمت جهانی آن در نرخ برابری ریال در برابر ارزهای خارجی بدست می‌آید.

جلسه میز پسته با حضور تعدادی از اعضای انجمن پسته ایران، اعضای هیأت نمایندگان اتاق کرمان، مودودی معاون سازمان توسعه تجارت ایران، انارکی محمدی نماینده مردم رفسنجان، پورا ابراهیمی نماینده مردم کرمان و راور، امیری نماینده مردم زرنند و شجری مدیرکل دفتر توسعه صادرات وزارت جهاد کشاورزی در ۱۵ شهریورماه امسال در اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان برگزار شد. یکی از موارد دستور جلسه میز پسته، بررسی میزان مصرف پسته در داخل کشور و آسیب‌های ایجاد محدودیت در امر صادرات آن بود.

در ادامه، بیانیه انجمن پسته ایران در مخالفت با هر گونه مداخله دولت در بازار داخل یا صادرات پسته و تبعات ناشی از آن که در این جلسه ارائه شد، آورده شده‌است.

تولید

■ تولید و تجارت بین‌المللی پسته ایران حدود صد سال قدمت دارد. پسته ایران تقریباً به تمام کشورهای جهان صادر می‌شود. احداث باغ پسته یک سرمایه‌گذاری بلندمدت است که کشاورز در آن ریسک سرمایه‌گذاری، حداقل برای ۱۵ سال آینده را برمی‌دارد. بنابراین هر تصمیم خلق‌الساعه منجر به ترس سرمایه‌گذار و عدم سرمایه‌گذاری در این صنعت خواهدشد.

■ تولید سالانه پسته در ایران بطور میانگین نزدیک ۲۰۰ هزار تن تخمین زده می‌شود. در تولید آن هیچ‌گونه ارز یا رانت دولتی استفاده نمی‌شود که مداخله دولت در تنظیم قیمت آن را توجیه کند.





بازار داخل

پسته جزو تنقلات محسوب می‌شود. مصرف پسته چه بصورت آجیلی، چه بصورت مغز در مواد غذایی، قوت غالب مردم کشور نبوده که نیاز به مداخله دولت در زنجیره تأمین یا فروش آن را توجیه کند. با درآمد حاصل از صادرات هر یک کیلوگرم پسته، بالغ بر ۴۰ کیلوگرم گندم می‌توان به کشور وارد کرد.

بازارهای صادراتی

پسته در دنیا عمدتاً بصورت فله صادر می‌شود و تجار و فروشندگان پسته در کشورهای مقصد با توجه به سلیقه بازار و الگوی مصرف خود آن را فرآوری، بسته‌بندی، بازاریابی و بازاریابی می‌کنند. در صورت ایجاد اختلال در تأمین پسته ایرانی، این مشتریان به سمت پسته آمریکایی سوق داده می‌شوند.

برخی از صادرکنندگان پسته برای فروش خود قراردادی عمل می‌کنند. لذا ایجاد اختلال در روند صادرات پسته، با ایجاد شرایط عدم امکان اجرای تعهد، تاجر ایرانی و پسته ایرانی را در تجارت بین‌المللی بی‌اعتبار خواهد کرد.

تولید پسته خشک سال گذشته آمریکا ۲۷۵ هزار تن اعلام شد. تولید امسال آمریکا حدود ۴۵۰ هزار تن برآورد می‌شود. ایجاد هرگونه محدودیت در صادرات پسته

کشور در سالی که به دلیل بروز خسارت، تولید به شدت محدود می‌باشد، قطعاً منجر به حذف پسته ایران از صحنه تجارت بین‌المللی، از دست رفتن بازارهای صادراتی و جایگزینی رقیب اصلی در این بازارها خواهد شد.

برگشت ارز صادراتی

به‌طور معمول، قیمت فروش کشاورز پسته‌کار ایرانی حدود ۹۵ درصد قیمت فروش صادراتی پسته توسط تجار ایرانی است. همچنین به‌طور میانگین حاشیه سود صادرکننده پسته کمتر از یک درصد قیمت فروش صادراتی آن می‌باشد. این بدان معناست که بالغ بر ۹۹ درصد ارز حاصل از صادرات پسته جهت پرداخت به کشاورز و پوشش هزینه‌های صادرات همواره به کشور برمی‌گردد.

برگشت ارز حاصل از صادرات پسته به دلیل تحریم‌های سیاسی و بانکی بین‌المللی از سال‌ها پیش تنها از طریق شبکه مویرگی و غیررسمی ایجاد شده بین تجار ایرانی و خارجی صورت می‌گرفته‌است. در شرایط ادامه تحریم‌ها و محدودیت‌های بانکی بین‌المللی، اصرار به برگرداندن ارز حاصل از صادرات پسته به کشور با اظهار در سامانه دولتی و علنی نیما از طریق شبکه بانکی رسمی و صرافی‌های زیر ذره‌بین دولت‌ها و بانک‌های تحریم‌گر، غیرممکن بوده و

منجر به توقف کامل صادرات و از بین رفتن شبکه مویرگی برگشت ارز حاصل از صادرات پسته به کشور خواهد شد. به‌علاوه، این امر قطعاً خود موجب تشدید شرایط بغرنج کمبود منابع ارزی کشور می‌شود.

نتیجه‌گیری

باتوجه به جمیع توضیحات فوق، انجمن پسته ایران معتقد است که در شرایط بغرنج فعلی اقتصاد کشور، مداخله دولت در بازار داخل یا صادرات پسته، ضمن کاهش قدرت ارزآوری کشور، صدمات جبران‌ناپذیری را بر کشاورزان و تجار پسته و سایر فعالان دخیل در این صنعت وارد خواهد کرد. به‌علاوه، با توجه به تنقلی بودن پسته، اثر این مداخله در کاهش فشار اقتصادی بر اقشار آسیب‌پذیر جامعه بسیار اندک خواهد بود. همچنین، این انجمن به صنایع شیرینی‌پزی که پسته یکی از مواد اولیه آنها بوده و به دلیل افزایش قیمت پسته، قیمت تمام شده ریالی محصول آنها افزایش، اما قیمت تمام شده دلاری آنها کاهش یافته است پیشنهاد دارد که همانند صنعت پسته کشور با افزایش صادرات و در نتیجه افزایش ارزآوری محصول خود، در جهت حفظ کیان و استقلال کشور دلتمردان‌مان را یاری رسانند.

تاریخچه پسته در ترکیه

دبیرخانه انجمن پسته ایران



بوده است. همچنین سال ۲۰۱۸ سال آور پسته در ترکیه محسوب می‌شود. رئیس مرکز تحقیقات پسته میزان محصول ترکیه در سال جدید را ۲۰۰ هزار تن اعلام کرد. لازم به ذکر است، پسته در ترکیه با پوست تازه و در خوشه خشک و وزن می‌شود و آمار مسئولین نیز براساس پسته خشک شده در پوست اعلام می‌گردد، لذا طبق محاسبه انجمن پسته ایران برای به‌دست آوردن معادل پسته خشک می‌بایست عدد تولید اعلام شده را تقسیم بر ۱٫۵ کرد (حدود ۱۳۳ هزار تن پسته خشک).

تعداد به ۴۴ میلیون اصله رسیده است. **وضعیت کنونی پسته ترکیه** کشور ترکیه سومین تولید کننده پسته در جهان پس از ایران و آمریکا است. طبق آمار رسمی دولت ترکیه، در سال ۲۰۱۶ که سال آور پسته ترکیه بوده، از مجموع ۱۶۵ هزار تن پسته‌ای که در ترکیه تولید شد، ۱۵۳ هزار تن آن به مصرف داخل رسید که شامل مصرف در مواد غذایی، بستنی و باقلوا بود و تنها میزان کمی از آن در حدود ۸ هزار تن صادر گردید. در آن سال میزان مصرف سرانه پسته در ترکیه ۱٫۸ کیلوگرم و حدود قیمت هر کیلو پسته ۱۸ لیر ترکیه

ترک‌ها اعتقاد دارند که قدمت پسته در ترکیه به ۷۰۰۰ سال قبل از میلاد مسیح می‌رسد و در طول تمدن‌ها مصرف پسته در این کشور وجود داشته است. از نظر آنها اسنادی وجود دارد که نشان می‌دهد پسته در دوره هیتی‌ها در آناتولی جنوبی کاشته و پادشاه و خانواده‌های اشرافی مصرف می‌کرده اند. از دوره آشوراییان و یونانیان اسنادی وجود دارد که نشان می‌دهد در این دوره‌ها پسته را به عنوان پادزهری برای نیش جانوران سمی پیشنهاد می‌کردند. همچنین به علت ارزش غذایی منحصر بفرد و ماندگاری بالا، پسته جزو اولین میوه‌هایی بوده که به‌صورت بین‌المللی از طریق جاده ابریشم به چین صادر می‌شده است. جهش جدید پسته کاری در ترکیه از سال ۱۹۴۸ آغاز شد که باغ بزرگی توسط دولت در شهر جیلان پینار، واقع در استان شانلی اورفا، به مساحت ۳۵۰۰ هکتار احداث گردید. در سال ۱۹۵۵ تعداد تخمینی درختان پسته در ترکیه ۶ میلیون و ۵۰۰ اصله برآورد شد و طبق آمار مرکز تحقیقات پسته ترکیه در حال حاضر این

حدود قیمت (لیر)	سرانه مصرف (کیلوگرم)	مصرف داخل (تن)	عرضه (تن)	تولید (تن)	
۲۱٫۹	۰٫۹	۱۰۶٫۷	۷۸۰٫۵۲	۱۴۴۰٫۰۰	۲۰۱۴
۲۰٫۱	۱٫۵	۱۱۰٫۹	۱۴۰٫۵۱۸	۸۰۰٫۰۰	۲۰۱۵
۱۷٫۹	۱٫۸	۱۰۸٫۲	۱۶۵٫۹۰۰	۱۷۰۰٫۰۰	۲۰۱۶
۲۶٫۹	-	-	-	۷۸۰٫۰۰	۲۰۱۷

منبع: مرکز تحقیقات پسته غازی آنتپ

گزارش بازدید از پسته ترکیه

سحر نخعی

مسئول روابط بین الملل انجمن پسته ایران

دیم در یک سال نأور ۲۰۰ کیلوگرم و در سال آور ۱۰۰۰ کیلوگرم در هکتار است. متوسط برداشت در باغ‌های آبی در یک سال نأور ۱۰۰۰ کیلوگرم و در سال آور ۲۵۰۰ کیلوگرم در هکتار اعلام شد. هزینه تولید پسته برای هر کشاورز حدود ۱٫۵ دلار برآورد می‌شود. قیمت باغ از ۱ تا ۱۰ دلار برای هر متر مربع متفاوت است. عوامل موثر بر این قیمت، نزدیکی به شهر، کیفیت خاک و تعداد درختان است. همچنین رئیس مرکز تحقیقات توضیح داد، با توجه به اینکه حدود ۹۵ درصد از سطح زیرکشت پسته در ترکیه دیم است، بارندگی یکی از مهمترین فاکتورهایی است که به‌طور مستقیم در میزان پسته تولیدی این کشور اثر دارد. در حال حاضر میزان متوسط بارندگی سالیانه در مناطق پسته خیز ترکیه حدود ۲۰۰ تا ۶۰۰ میلی‌متر اعلام می‌شود.

ارقام پسته ترکیه

قرمز، کشیده، حلی و سیرت پیوندهای غالب پسته در ترکیه محسوب می‌شوند. بسیاری از این ارقام در موسسه تحقیقات غازی آنتپ موجود و در خصوص ویژگی‌های آنها تحقیق شده که به بعضی از این ویژگی‌ها اشاره شده است: پایه‌های غالب پسته آنتپ، باتومی و تربیتنوس هستند و وارپته‌های تازه به ثبت رسیده تکین، باراک استار، آکینچی، اویگنر، آتلی و از تورک می‌باشند.

۴ نوع پسته نر: اویگور، کاسکا، از تورک، اکوستین

در ادامه رئیس مرکز تحقیقات پسته غازی آنتپ، پروژه‌های تحقیقاتی اجرا شده و در دست اقدام این مرکز را اعلام نمود.

بازدید از مرکز تولید باقلوای پسته

(CELEBIOGLU)

در این روز برای بازدید از نحوه تولید باقلوای پسته به کارگاه و فروشگاه باقلو رفتیم. بازدید از فرآیند تولید، بخشی از فرآیند بازاریابی و فروش این فروشگاه بود.

کشیده اوزون، آنتپ (حلی) و سیرت هستند. تعدادی درخت تازه پیوند خورده احمدآقایی نیز مشاهده می‌شد. آبیاری زیر سطحی را بعد از ۱۰ سال از کاشت درختان اجرا کرده بودند، فاصله لوله‌ها با درختان حدود ۲ متر و دبی قطره چکان‌ها ۲ لیتر در ساعت بود. برای درختان کوچک فاصله بین قطره چکان‌ها ۲۰ سانتی‌متر و برای درختان بزرگ ۴۰ سانتی‌متر بود. سطح ایستایی آب‌های زیر زمینی این منطقه حدود ۸۰ تا ۱۰۰ متر اعلام شد.

پس از بازدید از باغ‌ها و نهالستان به دفتر مرکز تحقیقات رفتیم و با ریاست موسسه آقای نوزت اصلان (Nevzat Aslan) ملاقات کردیم. ایشان در رابطه با سابقه کاشت و تعداد درختان پسته، ارقام موجود، سطح زیر کشت و میزان مصرف پسته در ترکیه توضیحاتی ایراد نمود. بیش از ۹۰ درصد از سطح زیر کشت پسته در ترکیه در مناطق خشک قرار دارد. به گفته وی سالانه ۵ تا ۱۰ درصد به سطح زیرکشت پسته در ترکیه اضافه می‌شود. استان‌های شانلی اورفا و سیرت بیشترین سهم از این افزایش را دارا می‌باشند. متوسط تعداد درختان پسته در ترکیه در هر هکتار ۲۰۰ اصله است. متوسط برداشت پسته باغ‌های

تور بازدید از صنعت پسته ترکیه از تاریخ ۱۲ تا ۱۴ شهریور ماه ۱۳۹۷ با هدف آشنایی اعضای انجمن با پتانسیل‌ها و توانمندی‌های پسته این کشور برگزار شد. در این تور تعداد ۲۴ نفر از اعضای انجمن متشکل از باغداران و صادرکنندگان طی ۳ روز از باغ‌های، ترمینال‌های ضبط و مراکز فرآوری، موسسه تحقیقات و بازار بورس کالا و صنایع تبدیلی پسته در شهرهای غازی آنتپ و شانلی اورفا بازدید کردند. جزئیات برنامه‌های بازدید از صنعت پسته این کشور در ادامه ارائه شده است.

روز اول

بازدید از مرکز تحقیقات پسته غازی آنتپ در روز اول، برنامه تور با بازدید از مزرعه تحقیقاتی این مرکز آغاز شد. بنا به گفته کارشناس مرکز تحقیقات، آقای محمت اوزون (Mehmet Uzun)، ارتفاع از سطح دریا حدود ۸۰۰ متر و میزان بارندگی آن منطقه حدود ۵۰۰-۳۰۰ میلی‌متر است، باغ‌های پسته با فواصل درختان زیاد، آبیاری قطره‌ای زیر سطحی و خاک قهوه‌ای رنگ، باغریزی شده اند. ارقام پسته موجود در باغ‌های این منطقه رقم

شهرهای پسته خیز ترکیه و تعداد درختان موجود در سال ۲۰۱۸

شهر	مساحت (هکتار)	تعداد درختان	درختان بارده	درختان جوان
غازی آنتپ	۱۳۶,۳۴۷	۲۲,۶۹۵,۲۰۰	۱۷,۷۰۳,۳۴۳	۴,۹۹۱,۸۵۷
شانلی اورفا	۱۲۵,۳۹۸	۲۷,۶۱۹,۰۳۲	۱۸,۳۰۰,۴۸۶	۹,۳۱۸,۵۴۶
آدیامان	۲۵,۸۰۹	۶,۵۹۶,۵۹۵	۴,۶۶۸,۸۳۰	۱,۹۲۷,۷۶۵
سیرت	۱۸,۸۰۷	۳,۷۶۷,۶۵۲	۲,۷۰۸,۰۰۰	۱,۰۵۹,۶۵۲
کاهرامانماراس	۶,۷۹۹	۱,۰۸۲,۵۵۰	۸۱۰,۰۵۰	۲۷۲,۵۰۰
کیلیس	۶,۳۳۵	۱,۰۵۹,۳۸۷	۸۰۴,۸۰۷	۲۵۴,۵۸۰
سایر مناطق	۹,۳۰۹	۴,۴۰۵,۳۶۶	۲,۷۷۰,۰۸۰	۱,۶۳۵,۲۸۶
جمع کل ترکیه	۳۲۸,۸۰۴	۶۷,۲۲۵,۷۸۲	۴۷,۷۶۵,۵۹۶	۱۹,۴۶۰,۱۸۶

منبع: مرکز تحقیقات پسته غازی آنتپ



بازدید از باغ های پسته روستای تکتاشی

مشاهده کردیم که در آن ابتدا خیس کردن و نمک زنی انجام می‌شد و بعد درون چند کوره کوچک پسته‌ها برشته می‌شدند.

بازدید از ترمینال فرآوری پسته آنتپسان (Antepsan)

مجموعه فرآوری بعدی که برای بازدید در نظر گرفته شده بود نوساز بود. ماشین آلات تازه نصب شده و حتی برخی هنوز فعال نشده بودند. دو خط در یک سالن حدود ۱۵۰۰ متری وجود داشت؛ یکی مربوط به پسته خشک و دیگری مربوط به مغز پسته می‌شد.

سیستم پسته خشک به این صورت بود که پسته خشک شده در پوست نرم وارد چند قیف و مخزن استیل می‌شد و بعد به آن آب اضافه می‌شد تا پسته و پوست آن مدتی خیس بخورد و بعد درون دستگاهی پوست خیس شده از پسته جدا می‌شد. در مرحله بعد دستگاهی شبیه غربال با فشار آب پوست را از پسته جدا می‌کرد. مرحله بعد غربالی طبقاتی بود که پسته را سایزبندی می‌کرد و هر سایز وارد یک ماشین آبخندان کن (چکش زن) می‌شد. پسته‌ها به صورت مخلوط خندان و ناخندان وارد این مرحله می‌شدند، چون درصد بالایی از پسته ترکیه دهان بست است؛ البته مشخص نبود که دستگاه آبخندان کن چگونه کار می‌کند؛ اما بر اساس ظاهر و به دلیل درجه‌بندی به نظر می‌رسید با فشار کار می‌کند. از طرفی آثار زخم و خراش هم روی پسته‌ها مشاهده می‌شد. البته روی دستگاه درجه فشار باد هم وجود

مشخصه	وزن ۱۰۰ دانه (گرم)	رنگ پوست	رنگ مغز	شکل دانه	زمان برداشت
قرمز	۱۲۳,۲۵	قرمز متمایل به بنفش	سبز-سرخ	کشیده	۹ سپتامبر
اوزون	۱۲۵,۹۶	قرمز	سبز-سرخ	کشیده	۱۷ سپتامبر
*سیرت	۱۳۳,۸۰	زرد متمایل به نارنجی	زرد	تخم مرغی	۲۵ سپتامبر
**اوحدی	۱۲۹,۰۸	صورتی تیره	زرد	گرد	۲۵ سپتامبر
حلبی	۱۲۷,۰۰	صورتی گیلاسی	سرخ	کشیده	۱۰ سپتامبر
تکین	۱۳۵,۹۸	زرد متمایل به صورتی	زرد	تخم مرغی	۱۴ سپتامبر

انواع محصولات کشاورزی مثل غلات، حبوبات، دانه های روغنی و مغزجات از جمله پسته مشغول است. با اعضای تور انجمن ابتدا از خط فرآوری تر این شرکت بازدید کردیم که البته به دلیل فعال نبودن نحوه عملکرد آن زیاد مشخص نبود. در ادامه خط فرآوری بعد از دستگاه‌های جدا کن سوزنی، غربال سایز بندی پسته قرار گرفته بود. تعدادی ماشین چکش زنی برای پسته‌های دهن بست نیز وجود داشت. در بخش دیگری از سالن دستگاه‌های تولید مغز قرار داشتند که سیستم و تکنولوژی آنها مشابه نوع ایرانی شامل غربال سایزبندی، پسته خردکن‌های توپی گرد و پس از آن غربال جهت جدا کردن پوست بود. در مرحله بعدی دستگاه برشته کنی را

آن‌طور که مشاهده شد کارتن‌های مغز سبز سالم وارد کارگاه شده، در آنجا توسط دستگاه های خردکن خرد و پودر می‌شد و در سه سایز ریز، درشت و پودر برای تولید باقلوا به مصرف می‌رسید. این فروشگاه با خرید ۳۰۰ تن مغز سبز در سال یکی از بزرگ‌ترین مراکز تولید باقلوای غازی آنتپ بود.

روز دوم

بازدید از ترمینال فرآوری پسته تیریایی (Tiryaki)

روز دوم با بازدید از مرکز فرآوری پسته تیریایی آغاز شد. شرکت تیریایی در سال ۱۹۶۵ با تأسیس ترمینال فرآوری حبوبات آغاز به فعالیت کرد. هم‌اکنون این کارخانه در ۱۸ مرکز مختلف به فرآوری



بازدید از شرکت فراوری پسته آنتپسان - غازی آنتپ

میلیون یورو می‌رسد. ظرفیت هر دستگاه شکست (تولید مغز) نیز ۸۰ کیلوگرم در ساعت و قیمت آن ۸۵۰۰ یورو بود.

■ بازدید از بازار بورس کالای غازی آنتپ

در آغاز جلسه در بورس کالای غازی آنتپ، آقای جسیم ارسلان، نایب رئیس بازار بورس ضمن خوشامدگویی به گروه، آرزوی حفظ ارتباط با انجمن پسته ایران را ابراز داشت. افراد حاضر در جلسه تعدادی از اعضای هیأت مدیره بازار و ۱۰ نفر از تجار و خریداران پسته عضو آن بودند. خانم ازگور بایرام دبیرکل بازار بورس نیز ضمن خوشامدگویی به گروه انجمن یک معرفی کوتاه از بازار بورس کالا ارائه داد. طبق توضیحات وی بازار بورس از سال ۱۹۵۸ آغاز به فعالیت کرده و در حال حاضر ۱۳۲۸ عضو دارد که از این تعداد ۳۲۲ نفر در زمینه پسته فعالیت می‌کنند. فعالیت‌های این بازار غیر از پسته به غلات، حبوبات، زیتون، خوراک دام و ادویه‌جات نیز اختصاص دارد. یکی از پروژه‌هایی که در حال اجرا در این بازار است، ساخت ساختمانی مربوط به دپوی پسته با ظرفیت ۱۰ هزار تن است. بودجه‌ای که دولت به این پروژه اختصاص داده ۱ میلیون و ۶۵۰ هزار یورو است. بعد از ارائه گزارش ارسلان، افراد به بحث و گفتگو راجع به وضعیت پسته ایران و ترکیه پرداختند. برای مثال اعضای بازار

داشت. پسته‌های ترک خورده که خیس هم بودند بعد از عبور از دستگاه سورت‌تر جهت جدا کردن دانه‌های بدرنگ، نم‌زنی می‌شدند و بعد وارد هیترهای برشته‌کن می‌شدند؛ سپس از غربال عبور می‌کردند تا هم خنک شوند و هم خاکه و پوست و مغزشان گرفته شود. نکته جالب اینکه سوخت حرارت برشته‌کن‌ها از پوست استخوانی پسته تأمین می‌شد. در مرحله آخر هم پسته‌ها بسته‌بندی می‌شدند.

خط دیگر این شرکت مربوط به تولید مغز پسته بود. دستگاه‌های این مجموعه از شرکت تولید ماشین آلات فرآوری پسته اوزر ماکینا (Ozer Makina) خریداری شده بود.

■ بازدید از شرکت سازنده ماشین آلات و خطوط فرآوری پسته اوزر ماکینا

تولید اصلی این کارخانه یک دستگاه آب خندان کن بود. قیمت هر ماشین ۱۱۰ هزار یورو اعلام شد که البته مطلع شدیم تا یکسال آینده امکان فروش به ایران ندارند، اما در حال تأسیس نمایندگی در ایران هستند. مدیر این شرکت آقای کمال اوزرمت اعلام کرد که فروش تکی این دستگاه میسر نیست و برای هر خط حداقل باید هفت دستگاه خریداری شود؛ یعنی قیمت هر خط ۷۷۰ هزار یورو می‌شود که با سایر متعلقات آن به حدود یک



بازدید از شرکت فراوری پسته آنتپسان - غازی آنتپ



بازدید از شرکت فراوری پسته تیریاکی - غازی آنتپ



بازدید از بازار بورس کالای غازی آنتپ



جلسه با رئیس مرکز تحقیقات پسته - غازی آنتپ

امسال ترکیه خواهد شد، چرا که تقاضا برای پسته بالا رفته است و قیمت‌ها حدود ۲۰ درصد افزایش یافته است. وقتی که بازار آزاد باشد عرضه و تقاضا قیمت را تعیین می‌کند.

- به نظر می‌رسد اکثر باغ‌های پسته در این منطقه زیر ۵۰ هکتار هستند و به صورت خرده مالکی اداره می‌شوند. عمده مالکین چه کسانی هستند؟

در ترکیه اکثر مالکیت باغ‌ها به صورت خصوصی است. البته یک باغ بزرگ تحقیقاتی در شهر جیلان پینار وجود دارد که متعلق به دولت است.

- لطفاً در مورد منابع آبی ترکیه توضیح دهید.

اکثر سطح زیر کشت پسته در ترکیه به صورت دیم است. باغ‌های ترکیه در مناطق شیب دار واقع شده اند و سیستم آبیاری هم وجود ندارد. توضیح خاصی در مورد وضعیت منابع آبی نداریم، ولی در بعضی مناطق چاه‌هایی زده شده است. در پایان جلسه جسیم ارسالن تأکید کرد که با توجه به روابط دوستانه ترکیه و ایران و سابقه مشترک تاریخی، فرهنگی و اقتصادی این دو کشور، همکاری دوجانبه در جهت پیشبرد و توسعه صنعت پسته و تلاش برای سبقت گرفتن از رقیب آمریکایی الزامی است.

روز سوم

بازدید از باغ‌های پسته روستای تکتاشی

برنامه روز سوم با حرکت به سمت شهر نیزیپ (Nizip) که در ۵۰ کیلومتری شرق غازی آنتپ بود، آغاز شد. در تمام طول مسیر تپه‌های اطراف عمدتاً زیر کشت پسته بودند، در بعضی مناطق درختان زیتون و انگور هم در بین آنها مشاهده می‌شد. در حوالی نیزیپ در منطقه‌ای به نام روستای تکتاشی از باغ پسته‌ای ۴۰۰ هکتاری بازدید کردیم. سن درختان حدود ۳۲ سال بود و از ۶ سالگی به بعد با آبیاری زیر سطحی محصول می‌دهند. رقم غالب آن منطقه آنتپ بود. باغ‌ها قبلاً دیم بوده که در سال‌های اخیر به دلیل بارش کم باران، آبیاری زیر سطحی را شروع کرده‌اند. در گذشته متوسط بارندگی آن منطقه ۴۰۰ تا ۵۰۰ میلی‌متر در متر مربع (mm/m2) بوده که هم اکنون به

بورس راجع به چگونگی عملکرد سیستم‌های آبیاری در ایران کنجکاو نشانی دادند و تمایل خود به بازدید از صنعت پسته ایران در سال آینده را ابراز نمودند. در ادامه به بخش پرسش و پاسخ بین اعضای انجمن و مسئولین بازار بورس می‌پردازیم:

- چند درصد پسته غازی آنتپ در بازار بورس معامله می‌شود؟

در حال حاضر حدود ۶۰ درصد از پسته تولید شده در غازی آنتپ در این بازار معامله می‌شود.

- تجارت پسته در این بازار برای عموم آزاد است؟

خیر، انجام معامله در بازار بورس فقط برای اعضا امکان پذیر است و اکثر کشاورزان منطقه عضو بازار هستند.

- مکانیزم خرید و فروش پسته در این بازار چگونه است؟

بازار بورس عملاً محلی برای حضور فروشندگان و خریداران است. طرفین معامله بعد از به توافق رسیدن بر سر قیمت مطابق مکانیسم بازار آزاد، به اینجا می‌آیند و به عقد قرارداد برای خرید و فروش پسته یا صادرات آن به اروپا می‌پردازند و بدین ترتیب به معامله خود رسمیت می‌بخشند.

- هدف از تشکیل بازار بورس پسته چه بوده است؟

وقتی که مردم به تجارت آزاد می‌پردازند این بازار معاملات آنها را به ثبت می‌رساند و برای آنها فاکتور رسمی صادر می‌کند.

- ضمانت اجرایی این قراردادها چیست؟

این معاملات توسط سیستم قانونی تجارت آزاد دادگاه ترکیه ضمانت می‌شوند. طرفین در صورت بروز هر گونه مشکل می‌توانند به دادگاه ترکیه شکایت کنند.

- مشتری خارجی نیز در بازار بورس وجود دارد؟

خیر، تجار خارجی نمی‌توانند در این بازار به معامله بپردازند. فقط اعضا امکان تجارت در این بازار را دارند.

- نرخ دلار چه تأثیری بر قیمت پسته در این بازار گذاشته است؟

بالا رفتن نرخ دلار باعث افزایش میزان صادرات محصول پسته



سد فرات - هلفتی - شانلی اورفا

بنا به گفته کارشناس باغ، ارتفاع از سطح دریا ۴۰۰ متر است و سرمایه‌گذاری بهاره هم ندارند. به نظر می‌رسد سرمایه‌های منطقه خیلی تأمین نمی‌شود و یا شاید ارقام آنجا خیلی نیاز سرمایه‌های بالایی ندارند. هزینه تولید هر کیلو پسته در حدود ۹ لیر یا به عبارتی ۱,۵ تا ۳ دلار اعلام شد (در این زمان ۱ دلار معادل ۶,۶ لیر است). یک لایه خاک تا عمق حدود ۵۰ سانتی متری دارند و زیر آن یک لایه سخت سفید رنگ گچی است. مبارزه با علف‌های هرز به دو روش برگردان کردن به عنوان کود سبز و استفاده از علف‌کش‌ها صورت می‌گیرد. قیمت باغ و آب برای یک باغ مثمر با شرایط خوب هکتاری حدود ۵۰ هزار دلار اعلام شد. شرایط تأثیرگذار بر قیمت آب و زمین یا باغ، فاصله از شهر، فاصله از جاده، امکانات، کیفیت خاک (میزان سنگ)، میزان آب، عمق و حجم آب است. در فصل گرده افشانی معمولاً باران ندارند و یا به عبارتی از آن آسیب ندیده‌اند. هزینه کارگر ۱۰ دلار در روز اعلام شد.

۱۸۰ تا ۲۰۰ میلی‌متر کاهش یافته است. بنا بر گفته کارشناس باغ در هر سال بر اساس میزان بارندگی، کمبود آب را محاسبه می‌کنند و با سیستم آبیاری به صورت ماهیانه از ماه می تا اکتبر آبیاری انجام می‌شود. منبع آب آنجا چاه عمیق ۲۰۰ تا ۲۵۰ متری بود و بیشترین نیاز آبی در ماه اوت اعلام شد. عملیات کوددهی عمدتاً همراه آبیاری درون سیستمی بر اساس بررسی نیاز (از طریق آزمایش خاک و برگ) درخت انجام می‌شود. آفت پسیل و نوعی آفت قارچی نیز وجود دارد. در آن مزرعه ۴۰۰ هکتاری که مشابه اکثر باغ‌ها بر روی تپه‌ها واقع شده بود، ۴ حلقه چاه عمیق هم وجود داشت که به نظر می‌رسید به دلیل واقع شدن در بین تپه‌ها مهورها نباید زیاد پر آب باشند. اما در طول مسیر که به این منطقه رسیدیم چند کانال انتقال آب نوساز مشاهده کردیم که احتمال می‌رود برای انتقال آب پشت سدهای بسته شده بر روی رودخانه فرات باشند.



مسجد غرق شده - تور فرات - هلفتی

بازدید از پسته ترکیه به روایت تصویر



نگهبان باغ های پسته - روستای تکتاشی



پسته چینی - روستای تکتاشی



بازدید از مراحل تولید باقلوا - غازی آنتپ



جلسه اعضای انجمن با رئیس مرکز تحقیقات غازی آنتپ



بازدید از شرکت فراوری پسته تیریکی - غازی آنتپ



نهادستان مرکز تحقیقات غازی آنتپ



اعضای انجمن در باغ های پسته روستای تکتاشی



تلاش انجمن پسته نتیجه داد:

اعمال حد مجاز اگراتوکسین منوط به بررسی بیشتر شد

تعدادی از اعضا به تدوین پروژه‌های تحقیقاتی در خصوص اگراتوکسین در خشکبار و مغزجات پرداختند. انجمن پسته ایران نیز با حمایت اعضای کمیته فروکام انجمن و تعدادی از صادرکنندگان دلسوز عضو، یکی از حامیان مالی پروژه تحقیقاتی اگراتوکسین شد.

در نهایت، پیگیری‌ها، مکاتبات و ارائه نتیجه پروژه اگراتوکسین فروکام به کمیسیون منجر به این شد که کمیسیون اروپا از سازمان امنیت مواد غذایی اروپا (EFSA) بخواهد مطالعه جدیدی راجع به اگراتوکسین آ ترتیب دهد.

خبر جدید اینکه در جلسه روز دوشنبه، ۱۷ سپتامبر ۲۰۱۸ بین کمیسیون و کشورهای عضو اتحادیه اروپا، مقرر شد تعیین حد برای اگراتوکسین آ در کلیه محصولات غذایی از جمله انجیر خشک و پسته تا نیمه اول سال ۲۰۱۹ (یعنی زمان مشخص شدن نتایج تحقیق جدید سازمان امنیت غذایی اروپا) به تعویق افتد.

در شماره ۲۶ نشریه دنیای پسته (خردادماه ۹۶) به اطلاع رسید که به دنبال افزایش آمار مردودی کانتینرهای پسته به دلیل وجود سم اگراتوکسین آ (OTA) مسئولین برخی از کشورهای عضو اتحادیه اروپا از جمله آلمان و هلند سعی کردند اتحادیه اروپا را متقاعد کنند تا برای این سم حد مجاز تعیین کند (حد پیشنهادی اتحادیه اروپا برای پسته ۵ میکروگرم در کیلوگرم بود). بدین منظور کمیسیون اروپا از فروکام (اتحادیه خشکبار اروپا) درخواست کرد تا حد پیشنهادی را بررسی کنند و اگر مخالفتی دارند با ارائه مستندات و آمار محکمه پسند اطلاعات خود را برای بررسی در اختیار کمیسیون بگذارند.

به تبع این اطلاع رسانی، فروکام از اعضا و صنایعی که ممکن است از این سیاست جدید اتحادیه آسیب ببینند درخواست کرد با ارائه مستندات و دلایل مراتب را به فروکام اعلام نمایند.

در این راستا، فروکام پس از اعلام موضع اعضا در قبال این تهدید و برگزاری جلساتی با اعضا و مسئولین اتحادیه اروپا توانست با حمایت مادی



EUROPEAN COMMISSION
DIRECTORATE-GENERAL FOR HEALTH AND FOOD SAFETY
Food and feed safety, innovation
Director

Brussels, 10.08.2018
SANTE.E2.FV/md (2018)462/394
Ares (2018)4199783

Dear Dr Url,

Subject: Request for an update of the Scientific Opinion on the risks for public health related to the presence of ochratoxin A in food

Please find herewith the background and the terms of reference for a request to EFSA for an update of the scientific opinion on the risks for public health related to the presence of ochratoxin A in food.

My services remain at your disposal for further information. On this matter, you can contact Mr Frans Verstraete, who is responsible for this dossier with regard to legislation and Ms Marina Marini, who is the relevant contact point in the unit in charge of Food chain science and stakeholder relations. Their respective phone and e-mail addresses are indicated below.

I would be grateful if the scientific opinion could be delivered by 31 July 2019.

Yours sincerely,

Sabine Jülischer

Contact persons: Mr F. Verstraete (+32 2 29 56359) frans.verstraete@ec.europa.eu
Ms M. Marini (+32 2 29 93307) marina.marini@ec.europa.eu

Cc: Ms L. Carrouee, Mr R. Reig Rodrigo, Mr T. Bregeon, Mr P. Bokor, Ms M. Marini, Mr B. Gautrais, Mr F. Verstraete

Dr Bernhard Url
Executive Director
European Food Safety Authority
Via Carlo Magno 1A
IT - 43126 Parma

Commission européenne/Europese Commissie, 1049 Bruxelles/Brussel, BELGIQUE/BELGIË - Tel. +32 22991111

نیاز باغداری امروز پسته ایران

تلفیق علم و تجربه

سید محمود ابطحی

نویسنده کتاب‌های تاریخ اقتصادی رفسنجان و اقتصاد پسته

۱- مقدمه

روشی که امروز در تولید پسته ایران عمل می‌شود روش سنتی نیست، چراکه ما کمابیش در تولید از ابزار و دانش مدرن استفاده می‌کنیم. در عین حال روشی مثل آنچه در آمریکا هم اجرا می‌شود نیست. هدف ما این است که تولید پسته در ایران امروز را با توجه به امکانات و محدودیت‌هایی که وجود دارند تعریف کنیم. این کار مسئله اصلی پسته ایران است و تا زمانی که مورد توجه همه دست‌اندرکاران، قرار نگیرد مسئله پسته ایران حل نمی‌شود.

از آنجایی که اطلاعات ما در مورد رفسنجان بیشتر از سایر مناطق پسته خیز ایران بوده و علاوه بر این توسعه پسته‌کاری ایران از رفسنجان شروع شده است بحث در مورد این منطقه صورت گرفته است. اگر روش تولید پسته در رفسنجان تئوریزه شود تعمیم آن به کل ایران کار سختی نیست. امیدوارم اصلی‌ترین سؤال در مورد پسته ایران را به درستی طرح کرده باشم با این مقدمه برویم بر سر اصل موضوع.

۲- پسته رفسنجان

از اواخر قرن نوزدهم با تقاضایی که بعد از توسعه مبادلات تجاری جهانی برای پسته به وجود آمده بود شرایط برای توسعه تولید پسته مهیا شد. در آن زمان منطقه رفسنجان جایی بود که در آن هم سرمایه کافی برای کاشت پسته تمرکز یافته بود و هم طبیعت برای این کار مناسب بود به این علت‌ها بود که در حدود سال‌های ۱۲۵۰ موتور پسته‌کاری ایران در رفسنجان روشن شد.

از ۱۲۵۰ تا ۱۳۳۰ تولید پسته صرفاً بر پایه تجربه متکی بود. بر پایه آزمون و خطایی که هر یک از باغداران به تنهایی می‌کردند و بر پایه تبادل تجربه بین آنها و نهایتاً جمع‌بندی تجارب، تجربه‌های فردی سینه‌به‌سینه بین کشاورزان نقل می‌شد. می‌دانیم که بعضی کشاورزان پیشرو بودند و دیگران از کارهای آنها الگوبرداری می‌کردند. توجه به طرز تولید تا آنجا پیش رفت که مرحوم آقا غلامحسین امیری تجربیات را جمع‌بندی، مدون و در سال ۱۳۴۰ به چاپ رساندند. چاپ مطلبی که در آن تجربیات در مورد تولید یک محصول جمع‌بندی شده باشند در زمان خودش کم‌نظیر بوده است. شاید این آخرین کار از نوع نوشته‌هایی مثل ارشاد الزراعه و ... باشد که صرفاً بر پایه دانش سنتی کشاورزی در ایران صورت گرفته‌اند. تا امروز خبر ندارم برای محصولی غیر از پسته در آن سال‌ها این کار صورت گرفته باشد.

طی آن سالها پیشرفت‌های زیادی به دست آمد: پیوند زدن مرسوم شد، زمان رسیدن به محصول از ۱۰ تا ۱۲ سال به ۶ تا ۷ سال کاهش یافت، جستجو برای به دست آوردن بهترین ارقام صورت گرفت و ...

رقابت بین باغداران هم برای افزایش بهره‌وری و هم برای افزایش سطح زیر کشت امری رایج بود. برداشت قصبی یک من (هکتاری ۱۲۰۰ کیلو) مطلبی پذیرفته شده و حداقلی توسط همه باغداران بود. حتی بعضی از باغداران ادعای برداشت قصبی ده من (هکتاری ۱۲ تن) داشتند. به سطح زیر

کشت مرتباً افزوده می‌شد. مساحت باغات که در ۱۲۵۰ تقریباً چیزی نبود در ۱۳۳۰ به حدود ده هزار هکتار رسید. طی سال‌های ۱۳۳۰ تا ۱۳۴۰ به دلیل اصلاحات ارضی سطح زیر کشت به دو برابر افزایش یافت. بنا به برآورد مهندس عزمی (که از کارشناسان معتبر وزارت کشاورزی زمان خود بودند) تعداد درختان پسته منطقه رفسنجان که در سال ۱۳۳۰ حدود ۳/۵ میلیون اصله بوده، در سال ۱۳۴۰ به ۸/۵ میلیون اصله رسید. با این حساب تا سال‌های ۱۳۴۰ سطح زیر کشت باغات پسته در رفسنجان به بیست هزار هکتار رسیده بوده است.

آن زمان آب‌های ورودی یا از طریق قنات‌ها به سطح زمین آورده شده و بیست هزار هکتار باغات پسته را آبیاری می‌کردند و یا خود به خود در چهار تالاب موجود در دشت در سطح زمین مظهر می‌شدند.

اولین موتور آبکشی در رفسنجان در سال ۱۳۲۶ توسط مرحوم یوسفیان به کار افتاد. اما استفاده از موتور برای استخراج آب تا اوایل دهه چهل بسیار محدود بود این‌طور نبوده که هر کسی بتواند موتور آبکشی داشته باشد. اولین موتور آبکشی شوفری داشته به اسم جاسم خان که همانطور که از اسمش پیداست رفسنجانی نبوده و گویا برای خود کیا و بیایی داشته. از آن به بعد با استفاده وسیع از موتورهای آبکشی به سطح زیر کشت مرتباً افزوده شد به طوری‌که طی سی سال بعد به حدود صد هزار هکتار رسید و نهایتاً منطقه دچار افت سطح آب و بحران کم‌آبی شد.

علاوه بر این باید در نظر داشت آبی که از راه قنات به دست می‌آید با آبی که به کمک موتورهای آبکشی استخراج شود این فرق را دارد که در قنات آب‌های ورودی به سفره ذره ذره از سطح وسیعی جمع‌آوری شده و تا زمانی که مظهر می‌شوند مسیر طولانی طی می‌کنند در حالیکه در موتورهای آبکشی آب‌های ذخیره شده در فاصله‌ای کوتاه استخراج می‌شوند.



۳- مالکیت-خرده مالکی

از سال های ۱۲۵۰ شمسی به بعد که پسته کاری در رفسنجان رواج پیدا کرد همراه با رشد شهرنشینی و رونق تجارت عده زیادی از تجار و شهرنشینان به مالکیت روی آورده تبدیل به مالکین بزرگ و کوچک شدند. بعد از رونق پسته کاری نظام مالکیت از سهم بری به پرداخت دستمزد به روستائیان تبدیل گردید. این وضع تا سال های ۱۳۴۰ که قانون اصلاحات ارضی اجرا شد رایج بود. اصلاحات ارضی به طور غیرمستقیم تاثیر عمیقی در تغییر شکل طبقات جامعه ایجاد کرد. به موجب قانون، تقسیم اراضی شامل باغات نمی‌شد. و از آنجاکه در منطقه بسیاری از اراضی تبدیل به باغ شده بودند آنچه در روستاهای رفسنجان به طور مستقیم از تقسیم اراضی نصیب روستائیان شد بسیار اندک بود. اما اصلاحات ارضی نفوذ مالکین را در روستاها بسیار کم کرد. این کار همراه با ترس مالکین از ادعاهای روستائیان در جوی که آن روز وجود داشت باعث شد مالکین مقداری زمین جهت احداث باغ های کوچک پسته (که در محل به آنها باغچه می گویند) به روستائیان واگذار کنند. از آن به بعد روستائیان باغداران کوچکی شدند. این کار آغازی بود برای زیاد شدن تعداد باغداران. پس از رواج استفاده از موتورهای آبکشی تعداد واحدهای بهره برداری به سرعت زیاد شد. در عین حال طبیعت پسته کاری و باغداری پسته هم طوری بوده که می شد تعداد زیادی از افراد گرد هم بیایند آب را دسته جمعی و مشارکتی استخراج بکنند و هر کدام قطعه زمینی را تبدیل به باغی پسته برای خود بکنند. در آن زمان باغات پسته دارای شرایط زیر بودند: ۱- هر ۳۰ تا ۵۰ روز یکبار آبیاری می شدند ۲- در بیشتر موارد هر موتور آبکشی به ۹۶ سهم تقسیم می شد بنابراین هر سهم از یک موتور آبکشی هر ۴۸ روز ۱۲ ساعت آب داشت. ۳- ۱۲ ساعت آب می شد یک هکتار باغ پسته احداث کرد. بنابراین طبیعی بود و امکان داشت که هر موتور آبکشی (هر واحد بهره برداری) تعداد زیادی باغدار داشته باشد باغدارانی که از یک تا چند حبه سهم آب داشته و یک یا چند هکتار باغ.

عده ای از مالکین قبلی باغات خود را توسعه دادند. روستائیان باغچه دار، باغدار شدند. کسان زیادی از شهر و روستا تبدیل به باغداران بزرگ و کوچک شدند. حتی اصنافی مثل ارایشگران، رانندگان تاکسی و ... بسیاری از خرده پیمان شهری و روستائی به خیل باغداران پیوستند به طوری که امروز اغلب ساکنین شهر و تقریباً همه روستائیان مالک چند قطعه باغ پسته و چند سهمی از موتورهای آبکشی هستند. استفاده از موتورهای آبکشی، همزمان با اصلاحات ارضی و به دنبال آن جوی که در انقلاب به وجود آمد همراه با طبیعت پسته کاری باعث شدند توسعه باغداری به طور عمده با خرده مالکی آغاز شود. در کنار این واقعیت قانون ارث باعث خرد شدن مستمر مالکیت بوده است.

البته شکی نیست خرد بودن مالکیت مشکلات و مسائل خود را دارد و هر تلاشی که برای تجمیع مالکیت انجام شود لابد مفید خواهد بود. هر چه که هست و به هر دلیلی که بوده امروز خرده مالکی واقعیت باغداری پسته در رفسنجان است. قطعاً بدون توجه به این واقعیت نمی توان از کشاورزی پسته در رفسنجان تعریف درستی به دست داد. سوال اول ما باید این باشد که چطور باید با این واقعیت کنار آمد



و دوم آیا می شود این مشکل را به فرصت تبدیل کرد؟

سالها پیش در اقتصاد بحث کوچک زیباست مطرح شد. جوهر آن بحث بررسی مزایای تولید در واحدهای کوچک بود. آیا می توان بررسی کرد که این مطلب در مورد پسته تا چه حد درست است؟ توجه داشته باشیم که ما در تولید پسته اولاً؛ با موجود زنده سر و کار داریم و ارتباط نزدیک تولید کننده و محصول اهمیت دارد. ثانیاً ذات تولید پسته امکان تولید به صورت خرده مالکی را دارد و بالاخره امروز تعداد زیادی خرده مالک در تولید پسته هستند که انتخاب دیگری هم ندارند.

۴- علم باوری

از زمان روی کار آمدن رضاشاه و ایجاد ادارات، دولتی های ایران به کار پسته توجه کردند. از ۱۳۱۰ به بعد امور مربوط به کشاورزی پسته زیر نظر اداره کل فلاحت قرار گرفت. در ۱۳۱۵ اولین مقاله با عنوان آفات پسته و طرز دفع آنها به چاپ رسید. در سال های بعد تعداد این گونه مقالات مرتباً زیادتر شد. مروجین و مهندسان کشاورزی به ویژه در زمینه مبارزه با آفات پسته فعال بوده اند. در سالهای بعد این فعالیت ها در موسسه تحقیقات پسته کشور که مرکز آن در رفسنجان بود متمرکز شد. در کنار کارشناسان دولتی باغداران خود رأساً به تحقیق و تفحص در امر تولید پسته پرداختند. باغداران که در میان آنها افراد دنیا دیده هم کم نبودند به تولید پسته به روش جدید و به ویژه طرز تهیه پسته در آمریکا توجه کردند.

هر چند که در سالهای پس از ۱۳۳۰ امکان استفاده از وسایل ماشینی کشاورزی پسته وضع و موقعیت جدیدی پیش آورد. در واکنش به شرایط جدید تجربیات تقریباً در همان حد متوقف مانده به صورت علمی در نیامدند. موسساتی متشکل از پژوهشگران و محققان به وجود آمد اما نه اینان تجربه و علم را به نحوی که حلال مشکلات و مسایل پسته باشد در هم آمیختند و نه باغداران از تشکلهای علمی تقاضای ارائه راه حل برای مشکلات داشتند. این سخن به معنی انکار زحمات و تلاش های باغداران و متخصصین نیست اما اگر در صدد طرح مشکل اصلی تولید پسته هستیم باید قبول کنیم که در ایران علم تبدیل به فرهنگ نشده است. نه تولید کننده علم را باور دارد و نه متخصص. گر چه هزاران تولید کننده تحصیل کرده و متخصصین بسیار برجسته داریم! حل مشکل تولید پسته از اینجا

شود با آب قدیم فرق دارد. امروز به هر روشی که آبیاری انجام شود باید در هر نوبت (هر چند که فاصله نوبت ها کوتاه یا طولانی باشد) به درخت آب کافی داده شود. رفع تکلیف و به اصطلاح تر کردن زمین درست نیست. راجع به اینکه آب کافی چقدر است به نتیجه ای نرسیدم. متوجه شدم آب کافی، بسته به نوع زمین و تا حدی است که باغدار قانع شود.

■ در مورد استفاده از سموم، در وهله اول بهتر این است باغ به حدی قوی و سالم باشد که در برابر آفات مقاوم شده باشد. من متوجه شدم که کشاورزان و کارشناسان به طور کلی به نوع خاصی از سم اعتقاد ندارند، همه قبول دارند که باید در مورد زمان سم پاشی و آبی که با آن سم پاشی می شود دقت کرد همه قبول دارند در همه سم پاشی ها نوع و مقدار سم باید حتماً با نظر کارشناس باشد.

■ چون خاک ها، به قول کارشناسان میکرواورگانیکسم ها را کم دارند استفاده از کودهای حیوانی خوب بوده است. استفاده از کودهای شیمیایی و نحوه انجام و نحوه ترکیب کودهای حیوانی و شیمیایی باید با نظر کارشناس انجام شود

■ در مورد پتار، زمین کنی و تراش، کشاورزان و کارشناسان به جمع بندی که با گذشته فرق کرده باشد نرسیده اند یا اینکه چیزی دستگیر من نشده است.

■ عقیده عمومی این است که محلول پاشی باید با نظر کارشناس انجام شود. متوجه شدم کشاورزان عمدتاً از محلول پاشی راضی اند و احتمالاً این کار در آینده اهمیت بیشتری پیدا خواهد کرد. بعضی از کشاورزان که محلول پاشی کرده اند تلویحاً عقیده دارند محلول پاشی آب دادن از راه برگ است و کار مفیدی است.

■ آزمایش برگ و کوددهی با توجه به نتیجه آزمایش برگ تا حد زیادی مورد قبول کشاورزان قرار گرفته با وجود اینکه کشاورزان مورد مطالعه خرده مالک بوده اند از آزمایش برگ استفاده و استقبال کرده اند. اگر در آینده برای آزمایش برگ تسهیلات بیشتری قائل شوند می تواند مورد استقبال بیشتری قرار بگیرد.

شروع می شود که هم مخصصین و هم باغداران باور داشته باشند که تئوری ها و نظرات علمی باید در عمل به محک تجربه زده شده با تولید درآیند.

۵- ارتباط باغداران و کارشناسان

برای تئوریزه کردن کشاورزی امروز ایران راهی غیر از برقراری ارتباط ارگانیک بین کشاورزان و کارشناسان وجود ندارد. با این عقیده خوشبینانه در هفت سال گذشته جلسه بحث، گفتگو و تبادل نظر بین کشاورزان و کارشناسان برقرار شده است. این جلسه ها تقریباً بدون وقفه (به استثناء ماه رمضان، ایام برداشت و تعطیلات رسمی) هر هفته روزهای سه شنبه برگزار می شوند. این جلسه ها کلاس نیستند نشست هایی هستند برای تبادل نظر و همفکری و تا امروز هم باغداران اظهار رضایت می کنند و هم کارشناسان.

۶- جمع بندی

از زمان شروع گردهمایی ها اینجانب ناظر اظهارنظرهای کارشناسان و کشاورزان، سوال و جواب ها و بحث و گفتگوهای آنها هستم. من نه تئوری کشاورزی خوانده ام و نه کشاورز تجربی خوبی هستم. کاری که من کرده ام این بوده که سعی کرده ام اولاً وضعیت کشاورزی رفسنجان را آن طوری که هست بشناسم. ثانیاً شنیده ها و مشاهدات خود را جمع بندی و ارائه کنم. تردید دارم که دانش من در حدی باشد که بتوانم مشاهدات را درست ارائه بکنم. چیزی که من را امیدوار می کند جسارت به خرج بدهم اولاً این است که راهی غیر از این وجود ندارد که همین نظرات اولیه مرتباً اصلاح، پالایش و جمع بندی شده تبدیل بشوند به تئوری اولیه، تئوری به کمک تجربه اصلاح و کامل شود تا این که نهایتاً تئوری های کشاورزی پسته مدون بشوند. امیدوارم این مشاهدات اولیه توسط کسانی که علم این کار را دارند و کشاورزانی که مرتباً در حال تجربه هستند بررسی و در آنها اظهار نظر شود.

۷- خلاصه

به طور خلاصه جمع بندی آنچه شنیده و دیده ام این است که: ■ در مورد آبیاری همانطور که گفته شد آبی که امروز استفاده می



گزارش نیکولز در ۳ مهر ۹۷:

کیفیت بالای محصول امسال آمریکا



بوده است. قطعاً انتظار داریم از این به بعد میزان خسارت افزایش پیدا کند، اما مطمئن هستیم مسائل مربوط به افلاتوکسین از دو سال گذشته بسیار کمتر باشد.

در دو خبرنامه اول، درباره محصول جدید گفتیم که شک داریم میزان محصول جدید به ۴۰۰ هزار تن برسد. البته ما استثنا بودیم، اکثر فعالین صنعت پسته کالیفرنیا اعتقاد داشتند از ۴۰۰ هزار تن بیشتر هم خواهد شد. امروز همه توافق دارند که میزان محصول کمی بیشتر از ۴۰۰ هزار تن باشد. متخصصین معتقدند ۴۰۰ هزار تن را حتماً داریم، وجود مقدار ۴۳۰ هزار تن احتمالش بالا است، ۴۵۰ هزار تن هم امکان پذیر است. احتمال دارد برداشت حداقل تا ۴ هفته دیگر ادامه پیدا کند، چون خیلی از باغداران به چین دوم هم خواهند رسید، البته بعضی‌ها هم چین دوم را انجام داده اند.

چالش اصلی محصول امسال سایز پسته‌ها است. محصول امسال قشنگ، اما ریز است. هنوز نمی‌دانیم که امسال آنس ۲۱/۲۵ سایز اصلی باشد یا ۲۱/۲۶. نمودار ۲ سایز ریز امسال را نسبت به دو سال گذشته نشان می‌دهد. امسال عرضه سایزهای ۱۹/۲۲ و ۱۹/۲۳ و مخصوصاً ۱۸/۲۰ خیلی محدود خواهد بود. انتظار داریم قیمت سایزهای بزرگتر حدود ۶۰ تا ۷۰ سنت در هر کیلو بیشتر از سایز ۲۱/۲۵ باشد.

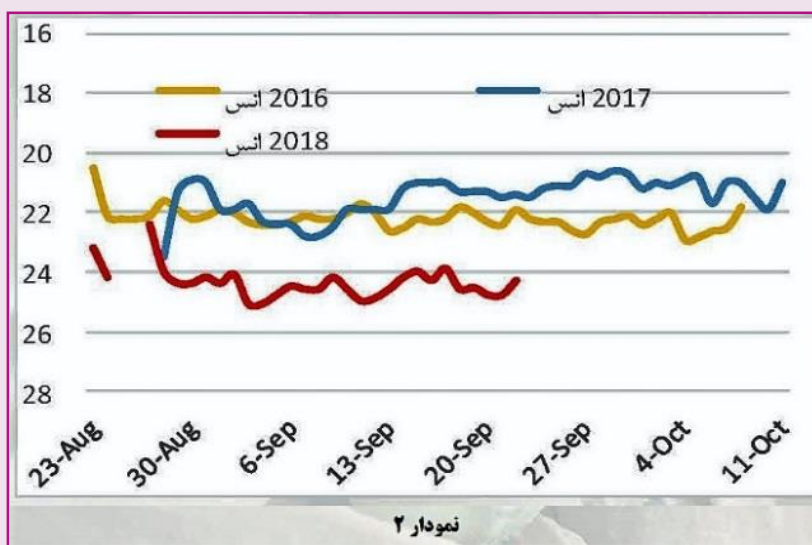
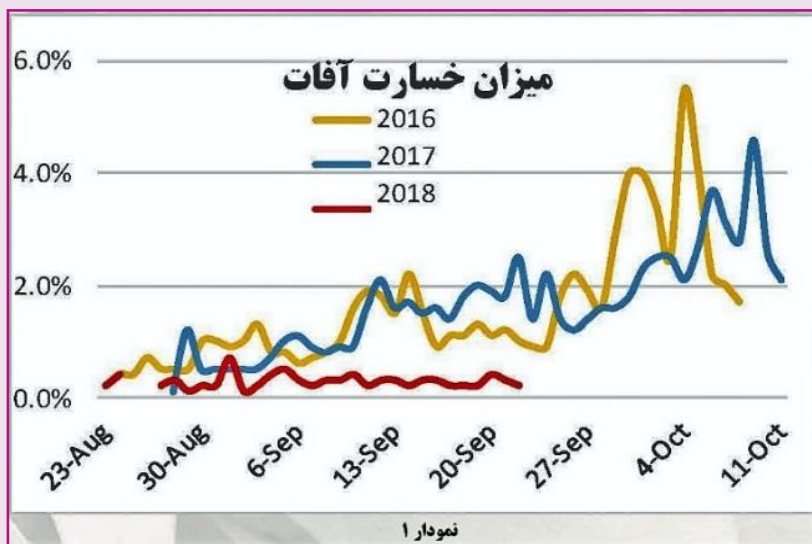
قیمت‌ها از آغاز زمان برداشت تا امروز تکان نخورده اند و در محدوده بین کیلویی ۹,۰۲ تا ۹,۳۵ دلار برای پسته درجه یک ۲۱/۲۵ مانده اند. خریداران محتاط اند؛ هنوز منتظر سایز، کیفیت محصول و قیمت‌های اولیه شرکت پارامونت هستند. دو هفته آینده قطعاً سر صنعت پسته خیلی شلوغ خواهد بود.

اند. به زودی واردکنندگان اروپایی هم وارد بازی می‌شوند، چون به احتمال زیاد محصول جدید مشکل افلاتوکسین نخواهد داشت. محصول ۲۰۱۸ با هزینه‌های تولید پایین‌تر و ضایعات کمتر نسبت به محصول افتضاح ۲۰۱۷، به سادگی و به سرعت جمع‌آوری و ضبط خواهد شد.

میزان خسارت آفات به خصوص کرم نافه پرتقال (NOW) هنوز به اندازه روز اول برداشت است (نمودار ۱). ۱۰ روز اخیر اوج تحویل محصول بوده و در این مدت میزان رویت آفات از دو سال اخیر خیلی کمتر

دو سوم برداشت پسته آمریکا کامل شده است. محصول امسال نسبت به حالت معمول دیررس‌تر بوده و سرعت تحویل آن کمتر از سال‌های گذشته است. خوشبختانه خسارت آفات زیاد نیست. پسته‌ها امسال ریز هستند و میزان محصول جدید بین ۴۰۰ تا ۴۵۰ هزار تن برآورد می‌شود. قیمت‌ها تغییر خاصی نداشته اند، اما از سال گذشته همین موقع بالاتر هستند.

خبر داغ در مورد محصول جدید آمریکا، کیفیت عالی آن است. صادرکنندگان، ضباطان و حسابداران حسابی از این موضوع خوشحال



گفتگو با گونجن جان، تاجر هندی پسته ایران در اجلاس چین

علاقمندی بازار هند به پسته ایران

سایر برندهای خصوصی انجام می‌دهیم. نام برند ما «نات راج» است؛ «نات» به معنای آجیل و «راج» به معنای سلطان است؛ معنی برند ما «سلطان آجیل‌ها» است. دفتر مرکزی شرکت ما در دهلی است، اما تجهیزات فرآوری ما در شهر اینجامو و دهلی است و دفتر پخش ما در بمبئی است که کار پخش در سرتاسر هند را عهده‌دار است.

چه شد که شما کار با پسته را شروع کردید؟

کسب و کار اصلی شرکت خانوادگی ما در گذشته تجارت گردو بوده و در حقیقت ما بزرگترین صادرکننده بزرگ گردوی هند بوده‌ایم. زمانی که من به شرکت ملحق شدم، تصمیم بر این شد که فعالیت‌مان را گسترش دهیم. در حالی که تا کنون ۳۵ درصد از محصول گردوی هند را در دست داشته‌ایم برای توسعه بیشتر به تجارت سایر محصولات روی آوردیم. بنابراین از سال ۲۰۰۵ قدم به این وادی گذاشتیم که سایر محصولات را بفروشیم و امروز بیشترین سهم در بازار پسته هند از آن ما است.

میزان محبوبیت آجیل‌های درختی، خصوصاً پسته در هند چگونه است؟

هنوز بازار آجیل‌های درختی در هند به عنوان یک بازار خاص شناخته می‌شود. همه آجیل‌ها از قبیل گردو، بادام، پسته و بادام هندی هنوز در بازار هند حجم زیادی ندارند و تنها طبقه اجتماعی که وضع مالی بهتری دارند آن را مصرف می‌کنند. البته این بازار کم‌کم دارد بزرگ می‌شود. اگر به سرانه مصرف در هند نگاه کنیم، حتی نزدیک به مصرف داخلی ایران هم نیست. اگر به آمار نگاه کنیم، هند تقریباً ۱۸ درصد جمعیت دنیا را تشکیل می‌دهد، در حالی که کشور ما مصرف‌کننده تنها ۲٫۶ درصد از آجیل و میوه‌های خشک تولیدی در دنیا است و این میزان کمی است. اما با توجه به جمعیت بالا و شناختی که از سودمندی آجیل‌ها بر سلامت انسان به وجود آمده‌است، مصرف آنها به شدت در حال افزایش است و نرخ رشد ۲۵ درصدی آن قابل انتظار است.

چه عواملی بر رفتار مصرف‌کننده هندی موثر است؟

اولین عامل قیمت است. بخش عمده‌ای از بازار هند که شامل عموم مردم است، خیلی نسبت به قیمت حساس هستند. البته بخش بالای جامعه، یعنی همان‌هایی که قیمت برایشان درجه اهمیت کمتری دارد، بخش کوچکی از جامعه هند را تشکیل می‌دهند. قشر متوسط جامعه در حال افزایش مصرف آجیل‌ها هستند، چون دارند ثروتمند می‌شوند و نسبت به اثر سودمند آجیل‌ها بر سلامت انسان آگاهی بیشتری کسب می‌کنند.

پسته کالای لوکسی است که عرضه و تقاضای جهانی قیمت آن را تعیین می‌کند.

همان‌طور که گفتیم پسته به دلیل لوکس بودن، تقاضای محدودی در هند دارد. اگر در این لحظه واقعاً محصولی بخواهید معرفی کنید که در مسیر اصلی حرکت می‌کند، آن محصول بادام است؛ به طوری که



معمولاً در مجامع پسته ایران پس از بازار چین از بازار هند یاد می‌شود. به زعم بسیاری، این بازار پتانسیل زیادی دارد و توجه خاصی می‌طلبد. یک پای شناخت این بازار، گفتگو با تجار فعال در این حوزه است. در اجلاس چین نقش هندی‌ها از بابت بادام هندی پررنگ بود، البته خونگرمی و حسن معاشرت «گونجن جان» موجب ترتیب دادن گفتگویی در زمینه تجارت پسته با وی شد که در ادامه جزئیات پرسش و پاسخ‌های رد و بدل شده را می‌خوانید.

لطفاً خودتان را معرفی کنید و از فعالیت‌تان در زمینه پسته بگویید؟

من گونجن جان (Gunjan Jain) هستم از شرکت وی کی اس (VKS) و چهارمین نسلی هستم که اداره این شرکت که در زمینه مغزجات آجیلی و میوه‌های خشک فعالیت می‌کند را برعهده دارم. در حال حاضر ما بزرگترین شرکت فرآوری مغزجات آجیلی و میوه‌های خشک در هند هستیم. ما همه کارهای مربوط به بسته‌بندی و ارائه این محصولات را به همه سوپرمارکت‌ها تحت برند خودمان و همچنین

هندی‌ها امسال حدود ۱۸۰ هزار تن بادام مصرف می‌کنند و در مقابل تنها ۲۵ هزار تن پسته به مصرف خواهد رسید و یک شکاف در تقاضای بین دو محصول وجود دارد. اما به محض اینکه قیمت‌ها واقعی‌تر و رقابتی‌تر شوند، جریان به سمتی می‌رود که قشر متوسط جامعه، پسته بیشتر و بیشتری مصرف کنند.

آیا شما رشد اقتصادی هند را یک عامل موثر بر مصرف آجیل‌ها می‌دانید؟

بله. هم اکنون هند یکی از سریع‌ترین رشدهای اقتصادی را دارد و رشد تولید ناخالص ملی هند نزدیک به ۷ درصد است. به همین دلیل مقدار مصرف هم در حال افزایش است. این رشد مانند کشور چین نیست، اما طی ۵ تا ۸ سال آینده تبدیل به چین امروز می‌شویم.

شما بازار جهانی آجیل‌ها را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

با توجه به اینکه دنیا تبدیل به یک دهکده جهانی شده‌است، بازارها بیشتر و بیشتر به هم نزدیک شده‌اند، آریتراز (بهره گرفتن از تفاوت قیمت بین دو یا چند بازار برای کسب سود در مورد یک کالای مشابه) کمتر شده و هرکس از آنچه در کشورهای تولیدکننده و مبدأ اتفاق می‌افتد، خیلی سریع باخبر می‌شود و جریان اطلاعات به بازار راه پیدا می‌کند. در هر ثانیه اتفاقات از طریق شبکه‌های اجتماعی از قبیل ایمیل، واتساپ و اسنپ چت قابل دسترس هستند و به همین دلیل شرایط بسیار رقابتی است و کارایی در بخش‌های مختلف زنجیره ارزش تولید از طریق این کانال‌ها افزایش یافته‌است. **شما از دو عامل قیمت و افزایش رشد اقتصادی به عنوان عوامل موثر بر رفتار مصرف‌کننده آجیل‌ها، خصوصاً پسته در هند نام بردید. آیا عامل دیگری هم وجود دارد؟**

از دید من، مهم‌ترین عامل، تبلیغ کردن آثار سودمند پسته و مغزجات بر سلامت انسان است. قیمت یک عامل است، اما نسبت به عامل ترویج سودمندی پسته بر سلامت از درجه اهمیت کمتری برخوردار است. اگر افرادی از انجمن شما بیایند و پسته ایرانی را ترویج کنند و از مزایای پسته ایرانی بگویند، مانند کاری که انجمن بادام کالیفرنیا و انجمن گردوی کالیفرنیا انجام دادند، قطعاً میزان مصرف خیلی افزایش خواهد یافت.

مردم هند پسته را به عنوان میان وعده استفاده می‌کنند یا به عنوان ماده اولیه در سایر خوراکی‌ها؟

در واقع ۸۰ درصد از پسته در هند به عنوان میان وعده استفاده می‌شود و مقدار کمی از آن به عنوان ماده اولیه در محصولات از قبیل بستنی‌ها و شیرینی‌جات استفاده می‌شود. یکی از امتیازات پسته ایرانی، مزه آن است و هندی‌ها واقعاً پسته ایرانی را بیشتر از نوع کالیفرنایی آن دوست دارند.

مگر پسته به صورت خام مصرف می‌شود؟!

پسته خندان به صورت برشته و نمک‌زده شده به مصرف می‌رسد.

مزه پسته برشته شده و نمک زده شده ایرانی با نوع آمریکایی آن چه فرقی دارد؟

مزه‌شان خیلی متفاوت است. پسته ایرانی شیرین است و پسته آمریکایی بی مزه. پسته آمریکایی از نظر ظاهری نسبت به پسته



ایرانی خوش قیافه‌تر است. اما اکثر افراد حاضر در بازار سنتی هند، هنوز پسته ایرانی را ترجیح می‌دهند. در حال حاضر اگر قیمت پسته ایرانی و آمریکایی در یک سطح باشد، ترجیح مصرف‌کننده هندی این است که پسته ایرانی بخرد. هندی‌ها فقط در شرایطی پسته آمریکایی می‌خرند که قیمت آن خیلی پایین‌تر از پسته ایرانی باشد. اغلب افراد سنتی مزه را می‌شناسند. البته ما با مصرف‌کنندگان ارتباط تنگاتنگی داریم و می‌دانیم افرادی که جدیداً به گروه پسته‌خورها می‌پیوندند، پسته آمریکایی را به خاطر اندازه بزرگ آن و رنگ پوست سفیدش ترجیح می‌دهند. اما افرادی که پسته را می‌شناسند، اغلب سراغ پسته ایرانی می‌روند.

من شنیده‌ام که هندی‌ها نوع خاصی از پسته ایرانی را می‌پسندند. اگر امکان دارد درباره این موضوع توضیح دهید؟

هندی‌ها خریدار پسته اعلاای ایرانی هستند و پسته‌های اکبری و خصوصاً احمدآقایی را بهتر می‌پسندند و تقاضا برای رقم فندقی باپوست خیلی کم است. پسته فندقی بیشتر به صورت مغز مصرف دارد.

چرا ارقام اکبری و احمدآقایی بیشتر بازار دارند؟ آیا این امکان وجود دارد که با ترویج بتوان پسته فندقی را هم بازار پسند کرد؟

همان‌طور که گفتیم پسته به دلیل قیمتش یک کالای لوکس به حساب می‌آید و تنها قشر متمکن جامعه هند که ۱ تا ۲ درصد از جمعیت را تشکیل می‌دهند مصرف‌کننده پسته هستند. برای این قشر قیمت مهم نیست، بلکه پسته‌ای را می‌خواهند که از نظر کیفیت اعلا باشد.

اگر ما پسته را از طریق ترویج سودمندی‌اش بر سلامت انسان به محبوبیت عموم برسانیم و قیمتش را رقابتی کنیم، مقدار بیشتری پسته

پسته ۹۰۰ روپیه و بادام هندی ۷۰۰ روپیه باشد، مصرف کننده پسته خرید پسته را متوقف نخواهد کرد، خریداران پسته، پسته می‌خرند و علاقمندان به بادام هندی، بادام هندی را انتخاب می‌کنند.

تنها بادام و بادام هندی که به عنوان مواد اولیه در سایر خوراکی‌ها مصرف دارند، بعضی اوقات جایگزین یکدیگر می‌شوند. حتی پسته به عنوان ماده اولیه خیلی به ندرت جایگزین می‌شود و معمولاً هندی‌ها پسته که محصول گرانی است را در شیر و شیرینی می‌ریزند. شما می‌دانید تولیدکنندگان پسته با مشکل آب، هزینه‌های بالای نگهداری باغ و همچنین دوره بازگشت سرمایه طولانی مدت مواجه هستند، بنابراین طبیعی است که قیمت این کالا زیاد باشد.

قیمت پسته باید واقعی و باثبات باشد و بالا و پایین نشود و این به معنای ارزان بودن پسته نیست. این قیمت حدود ۷،۵ تا ۸،۵ دلار در هر کیلو است و این قیمت درستی است و من به قیمت کمتر از این فکر نمی‌کنم و حدس و گمان‌ها این است که به ۱۱، ۱۲ دلار در هر کیلو برسد که من فکر می‌کنم دستیابی به این قیمت‌ها سخت باشد. همان‌طور که گفتیم با واقعی شدن قیمت‌ها در حدود ۷،۵ تا ۸،۵ دلار امکان افزایش فروش بسیار زیاد می‌شود.

فکر می‌کنید نقش شرکت‌هایی مانند شما در تبلیغ و ترویج مصرف پسته چیست؟

باید بگویم که تبلیغات، تغییرات بزرگی در مصرف ایجاد می‌کند. واقعاً اگر کسی در هند بخواهد فواید پسته را تبلیغ کند، می‌تواند مصرف را تحت تأثیر قرار دهد. به عنوان مثال، مجموع مصرف گردو در هند در سال ۲۰۰۵ حدود ۵ هزار تن بود، اما پس از ترویج مصرف آن، مقدار مصرف به ۴۵ هزار تن رسید و از سال ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۸ مصرف ۲ برابر شده است. بنابراین، به طور مشابه، اگر در مورد خواص پسته و نحوه مصرف آن تبلیغ شود، مقدار مصرف افزایش می‌یابد.

توجه کنید که شرکت‌هایی مانند ما که هم واردکننده، هم فرآوری کننده و هم بسته‌بندی‌کن باشند، تعدادشان کم است. معمولاً واردکنندگان و فرآوری‌کننده‌ها از هم مجزا هستند. صنعت آجیل‌های درختی در هند شامل بخش‌های کوچک است و این بخش‌ها از نظر بودجه‌ای توان تبلیغات و ترویج پسته را ندارند. تجار هم علاقه‌ای به تبلیغات ندارند و تنها در حال خرید پسته، بادام، گردو و سایر محصولات هستند. تنها کسانی حاضرند کار تبلیغات را انجام دهند که برایشان نفع اقتصادی داشته باشد.

شرکت‌هایی مانند ما به خاطر برندمان علاقمند به افزایش مصرف پسته هستیم، بنابراین این علاقه از سوی شرکت ما برای تبلیغات پسته وجود دارد؛ اما ما مهارت محدودی داریم و به انجمن‌هایی مانند انجمن پسته ایران نیاز است تا بیایند و به ما در این زمینه کمک دهند.

چند درصد از پسته در هند به صورت بسته‌بندی به دست مصرف‌کننده نهایی می‌رسد؟

حدود ۹۵ درصد از پسته‌ای که به دست مصرف‌کننده نهایی می‌رسد، به صورت بسته‌بندی است.

رقم فندقی در هند فروش خواهد رفت، همان‌گونه که در بازار چین این اتفاق افتاده است. در چین شرایطی، قشر متوسط جامعه، پسته بیشتری مصرف خواهند کرد و میزان فروش به زودی به ۱۰۰ هزار تن خواهد رسید.

در حال حاضر، مشکلاتی که بر سر واردات پسته به هند وجود دارند چه هستند؟

اولین مسئله قابل اعتماد بودن تأمین‌کننده‌ها در ایران است. در گذشته ما به یکی از تأمین‌کننده‌ها بیعانه می‌دادیم و حین تالطامات بازار به دردمس می‌افتادیم. اما در حال حاضر با ۵، ۶ تأمین‌کننده خوب ایرانی در ارتباط هستیم که حتی بدون پرداخت بیعانه، سرموقع بار را تحویل می‌دهند و مانند گذشته مشکلی بر سر کیفیت محصول تأمین شده نداریم.

از دید شما تعرفه چینی‌ها روی پسته آمریکایی چه آثاری روی بازار چین و یا احتمالاً هند دارد؟

این یک مشکل اساسی در واردات پسته آمریکا به چین به حساب می‌آید. اما تأثیری بر بازار هند نخواهد داشت. در حال حاضر تعرفه واردات پسته از آمریکا و ایران به هند یکسان و ۱۰ درصد است و این عدد خیلی کمی است.

آیا در بازار هند، پسته و بادام هندی به عنوان کالای جانشین یکدیگر محسوب می‌شوند؟

خیر. اصلاً چنین چیزی نیست. در بازار هند تنها بادام و بادام هندی به عنوان کالای جانشین به حساب می‌آیند. در هند کسانی که پسته مصرف می‌کنند به پسته نیاز دارند و اگر قیمت پسته ۲ برابر هم بشود باز هم مصرف می‌کنند. در قیمت‌های فعلی، اندازه بازار هند ۲۵ هزار تن پسته است و برای این گروه قیمت مطرح نیست و به هر حال مصرف‌کننده پسته هستند. اگر به افزایش اندازه بازار فکر می‌کنیم، باید روی قیمت‌ها کار شود. به عنوان مثال اگر قیمت



گفتگو با رامین یوسفی، تاجر ایرانی پسته مقیم چین

حساسیت روزافزون بازار چین به کیفیت

رفتار مصرف‌کننده چینی در قبال پسته چگونه است؟ کانال‌های فروش پسته در چین چگونه‌اند؟ دغدغه تاجر ایرانی چیست؟ و آیا حضور تاجر چینی در بازار ایران مذموم است؟ اینها و سوال‌های متعدد دیگر، هر دهنی را قلقلک می‌دهند که به دنبال پاسخ باشد. رامین یوسفی تاجر ایرانی مقیم چین که مهمان‌نوازی گرم ایرانی را از یاد نبرده‌است، با اشتیاق فراوان علاقمند به پاسخ دادن به این سوال‌ها در شهر گوانجیو چین شد و وقت قابل توجهی صرف این کار کرد. در ادامه مشروح گفتگوی خواندنی با وی پیش روی شماست.

لطفاً خودتان را معرفی کنید و از سابقه کار و رابطه‌تان با پسته بگویید.

من رامین یوسفی هستم و از سال ۲۰۰۳ به صورت رسمی مقیم کشور چین هستم و از سال ۲۰۰۷ وارد کار پسته شدم. تا ۳ سال پیش، کار ما خرید و صادرات پسته از طریق دوستان و گاهاً خودمان و فروش آن در بازار چین و هنگ‌کنگ بود. اما از سال ۲۰۱۵ به تأسیس یک مجموعه فراوری پسته که شامل ۵ خط تولید است، اقدام کردیم؛ در این مجموعه کار سورت کردن پسته تا برشته کردن و بسته‌بندی در کیسه‌های ۲۵ و ۵۰ کیلویی انجام می‌شود، تولید مغز معمولی، مغز سبز و خمیر پسته را هم انجام می‌دهیم. این واحد تولیدی در سال گذشته آزمایش تولید خود را سپری کرده و امسال کار حرفه‌ای خود را شروع می‌کند. شرکت ما در منطقه ویژه اقتصادی سیرجان تأسیس شده و حوزه فعالیت این شرکت در استان کرمان و سایر نقاط پسته‌خیز کشور از باب تهیه مواد اولیه و فروش تولیدات خود به بازارهای جهانی مختلف جهانی می‌باشد.

با توجه به استانداردهای بالایی که در نظر گرفتیم، نگاهی به بازارهای مختلف از جمله اروپا، ژاپن، تایوان، چین و هنگ‌کنگ داریم. دلیل اینکه از هنگ‌کنگ نام می‌برم این است که مرز تحویل پسته ایرانی به بازار کشور چین است. البته مغز، مغز سبز و خمیر پسته بیشتر در اروپا به دلیل استفاده‌های خاصی که در صنایع غذایی از آن می‌شود به فروش می‌رسد. باید توجه کنیم که کشور چین در حال پیشرفت و توسعه است و در حال خروج از مصرف سنتی می‌باشد و مردم بیشتر با محصولات خوراکی خارجی آشنا می‌شوند. تقاضای آنها روی محصولات از جمله شکلات، بستنی، کیک‌ها و شیرینی‌جات مختلف افزایش می‌یابد و پیش‌بینی ما افزایش مصرف این‌گونه محصولات در بازار چین است. این موضوع خیلی دور از ذهن نیست که چین در حال تبدیل شدن به یکی از بازارهای بزرگ مغز سبز و حتی خمیر و کره پسته باشد. در حال حاضر، هدف ما بازار اروپا است، ولی در آینده خیلی نزدیک بازار چین را یک هدف خوب برای این محصولات می‌بینیم.

INC XXXVI World Nut and Dried Fruit Congress, Chennai, 19-21 May 2017
ESTIMATED WORLD PISTACHIO PRODUCTION
In-shell Basis - Metric Tons

COUNTRY	2016/2017				2017/2018			
	BEG. STOCK	CROP	TOTAL SUPPLY	ENDING STOCK	BEG. STOCK	CROP	TOTAL SUPPLY	ENDING STOCK
IRAN	17,000	170,000	187,000	10,000	10,000	250,000	260,000	5,000
USA	46,500	455,957	502,457	101,714	101,714	236,735	338,449	53,061
TURKEY	40,000	175,000	215,000	50,000	50,000	90,000	140,000	30,000
SYRIA		20,000	20,000	0	0	17,000	17,000	0
AFGHANISTAN		5,000	5,000	0	0	5,000	5,000	0
GREECE		4,000	4,000	500	500	4,500	5,000	0
ITALY		2,500	2,500	0	0	2,250	2,250	0
AUSTRALIA		0	0	0	0	1,550	1,550	0
CHINA		0	0	0	0	400	610	0
TOTAL						607,435	769,859	88,061

Chennai INDIA
INC XXXVI WORLD NUT AND DRIED FRUIT CONGRESS
19-21 May 2017

فرمودید که پیشرفت اقتصادی در چین بر رفتار مصرف‌کننده اثر گذاشته و آنها طالب پسته بیشتر و محصولات متنوعی از آن هستند. به نظر شما چه عوامل دیگری بر رفتار مصرف‌کننده چینی موثر است؟

من سال ۲۰۱۷ فرصتی پیدا کردم که گرداننده پنل پسته در اجلاس شورای جهانی خشکبار باشم. با توجه به تحقیقاتی که آن زمان صورت گرفت، سیر صعودی مصرف پسته را به صورت جهانی خصوصاً در چین به عنوان یکی از بازارهای بزرگ به اثبات رساندیم. حتی با توجه به اینکه تولید پسته در آمریکا و سایر نقاط رو به افزایش است و در ایران هم تقریباً روند ثابتی حفظ شده‌است، پیش‌بینی می‌شود باز هم تقاضا بیشتر از تولید پسته باشد و مهم‌ترین عامل آن، به طور مثال در چین فرهنگ‌سازی مصرف پسته، وضع اقتصادی چینی‌ها و مصرف‌کننده‌هایی است که پسته را مصرف می‌کنند. مطلبی که باید به آن پرداخت این است که مصرف‌کننده و یا خریداران تجاری چینی دیگر مصرف‌کننده و خریداران چندین سال قبل نیست، بلکه مصرف‌کننده‌ای است که پسته‌های مختلف از قبیل آمریکایی، ترکی، ایرانی و حتی استرالیایی را مصرف کرده و پسته و کیفیت آن را سال به سال بهتر می‌شناسد. درست است

برسد را توضیح دهید؟

ببینید! پسته دو روش مختلف را طی می‌کند تا به چین می‌رسد. آمریکایی‌ها با یک سیستم و استراتژی خاص می‌آورند و ایرانی‌ها هم روش خودشان را دارند.

در مورد پسته ایرانی باید بگویم، تا ۴،۳ سال قبل تعدادی صادرکننده ایرانی داشتیم که طرف حساب‌هایشان واسطه‌های هنگ‌کنگ بودند. شرکت‌های هنگ‌کنگ پسته را از ایرانی‌ها می‌خریدند و به کارخانه‌داران چینی می‌فروختند. به این ترتیب که کارخانه‌داران چینی از پخش‌کننده‌ها بیعانه می‌گرفتند و طبق سفارشی که داشتند خریدشان را از طریق واسطه‌های هنگ‌کنگ انجام می‌دادند و محموله پسته را یا در هنگ‌کنگ و یا در چین تحویل می‌گرفتند. پخش‌کنندگان هم پسته را به دو شکل متفاوت پخش می‌کردند؛ یا در بازار فله فروشی یا همان کیلوفروشی و یا در بسته‌بندی کوچک در فروشگاه‌های بزرگ یا مغازه‌های کوچک.

در حال حاضر فروش پسته تغییر کرده‌است و صادرکنندگان ما به طور مستقیم با خریداران چینی ارتباط برقرار کرده‌اند؛ یعنی قبلاً یک بخش عمده از پسته برای واسطه‌های هنگ‌کنگ ارسال می‌شد و یک بخش از پسته به کارخانه‌داران چینی فروخته می‌شد که این نسبت در حال تغییر است.

از یکی دو سال گذشته استراتژی بازار تغییر کرد و تعدادی از چینی‌ها به بازار داخلی ما وارد شدند و به صورت مستقیم شروع به خرید پسته کردند. خریدهایشان را انجام دادند و به هر شکل در مرز هنگ‌کنگ یا در مرز ویتنام (هایفونگ) تحویل گرفتند و کار واردات آن را هم خودشان انجام دادند. از آنجایی که این کار سرمایه‌بر است، هنوز هم تعدادی از شرکت‌های هنگ‌کنگ با دریافت اندک به کارخانه‌داران چینی کمک می‌کنند.

خریداران تجاری چینی هم دو دسته هستند، منظورم کارخانه‌دارانی است که پسته را فرآوری می‌کنند. تعدادی از این کارخانه‌داران فقط خط برشته‌کردن و بو دادن دارند و این کار را به صورت مخفی انجام می‌دهند. در واقع پسته را به صورت غیرمعارف وارد می‌کنند، برشته می‌کنند و به بازارهای کوچک، محلی و فله می‌فروشند. یکسری کارخانه‌داران بزرگ و اسم و رسم‌دار وجود دارند که تحت نظارت هستند و با سوپرمارکت‌ها کار می‌کنند و حتی پسته را فرآوری و مجدداً صادر می‌کنند. اینها مجبورند پسته را از راه‌های درست و قانونی و با تعرفه گمرکی ثابت وارد کنند، که می‌توانند وارد شبکه پخش شوند. در مجموع، این فرایند به سمتی می‌رود که کار باید از کانال خیلی رسمی و قانونی و مستقیم انجام شود و طبعاً کنترل روی کیفیت بیشتر شده‌است.

برآیند صحبت‌هایی که فرمودید ذهن را به این سمت می‌برد که چینی‌ها حاضرند پول خوبی بابت پسته بپردازند؛ چون هم پسته باکیفیت می‌خواهند و هم تقاضای بالایی دارند.

در رابطه با این موضوع یک منطبق وجود دارد و اینکه ما دو نوع خریدار داریم؛ خریدار تجاری و مصرف‌کننده پسته. ما در قدم اول

که رشد در مصرف پسته وجود دارد، اما رشد بالایی هم در شناخت پسته اتفاق افتاده‌است. کما اینکه در بازار چین، تبلیغات بر این است که پسته را سفید نکنند و به صورت طبیعی مصرف کنند و اگر می‌خواهند پسته را بو بدهند، نمک و افزودنی‌های دیگر به آن اضافه نکنند و تنها آن را برشته کنند. مضافاً اگر سری به سوپرمارکت‌های چین بزنید، می‌بینید بسته‌های کوچک خشکبار با وزن‌های مختلف عرضه می‌شود و روی این موضوع کار می‌کنند که مصرف خشکبار را جایگزین مصرف تنقلات، شکلات و شیرینی‌جات کنند تا تغذیه سالمی را به جامعه ارائه دهند. این پیغام خوبی است و نشان از روند رو به رشد بازار مصرف خشکبار می‌دهد.

اینجا این بحث وجود دارد که بازار پسته هم کیفیت را طلب می‌کند. مقدار تولید رو به افزایش است و در مقابل ما تولیدکننده آمریکایی است که روی تولید، کار و تحقیق و برنامه‌ریزی می‌کند و رشد تولیدشان سال به سال بالا می‌رود و روی کیفیت و نوع پسته قابل عرضه به بازار هم کار می‌کنند. با توجه به اینکه مصرف و تولید رو به رشد است، اگر ما هم بخواهیم جایی در این بازار داشته باشیم باید روی کیفیت کار کنیم.

نکته مثبتی که اخیراً در بازار چین ایجاد شده‌است این است که با توجه به جنگ تجاری پیش آمده بین چین و آمریکا، چینی‌ها روی واردات پسته و خشکبار آمریکایی تعرفه بالایی گذاشته‌اند. این یک امتیاز مثبت برای پسته ایران به حساب می‌آید. تقریباً ۴،۳ ماه است که دولت چین با سخت‌گیری واردات خشکبار از جمله پسته از آمریکا را کنترل می‌کند. تقریباً راه واردات متعارف و غیرمعارف را بسته‌اند و از آنجایی که تعرفه‌ای که روی پسته ایرانی وجود دارد ناچیز است و پسته باید از مبادی قانونی وارد شود، پس باید از این امتیاز مثبت برای پسته ایرانی استفاده شود. البته می‌دانید که تجار راه‌های مختلفی پیدا می‌کنند تا پسته آمریکایی را که بخش عمده‌ای از بازار چین را در سال‌های گذشته تصاحب کرده است را به چین بیاورند. به عبارت دیگر یک شبه نمی‌شود یک عدد بالایی را تبدیل به صفر و یک عدد پایینی را تبدیل به صد کرد. اما این فرصت هست که اگر ما روی کیفیت پسته ایرانی کار کنیم و روی روش تجارت این محصول که برای ما یک محصول استراتژیک است تجدیدنظر کنیم، پله پله می‌توانیم به جایگاهی که چندسال گذشته داشتیم برگردیم. منظور از چند سال گذشته این است که دو سال پیش ما سهمی حدود ۶۰ تا ۷۰ درصد از بازار چین را داشتیم، اما متأسفانه با توجه به برنامه‌ریزی‌ها و رقابت‌های نادرست و کیفیت‌های بد پسته ارائه شده، جایگاه خودمان را از دست دادیم. سال گذشته با اینکه ما محصول زیادی هم داشتیم، آمریکایی‌ها سهم بیشتری از این بازار را به خود اختصاص دادند. امسال به نظر من سال مثبتی است، متأسفانه پسته ما کم است، اما با ارائه محصول باکیفیت می‌توانیم بازار خوبی برای سال آینده بسازیم و دوباره اعتماد به پسته ایرانی را جلب کنیم.

آقای یوسفی! اگر امکان دارد مراحل را که پسته ایرانی طی می‌کند تا به دست مصرف‌کننده نهایی در چین

بهرتری بفروشیم، روی کیفیت پسته ایران کار کنیم و یک پسته خوب و یک دست تحویل مشتریان چینی بدهیم تا بذر خوش بینی بکاریم و بتوانیم در سال آینده که محصول مان بهتر است این الگو و مبنا را پله کنیم برای افزایش فروش و قیمت.

وقتی صحبت از مقایسه پسته ایرانی و آمریکایی می شود، همه با کیفیت، طعم و میزان مغز پسته ایرانی و آمریکایی آشنا هستند، ولی چرا باید قیمت پسته آمریکایی ۱ تا ۱,۵ دلار گران تر از پسته ایرانی باشد؟ به خاطر اینکه برای سندیکای آمریکایی فرق نمی کند که این پسته از دست چه کسی فروش می رود، بلکه این موضوع اهمیت دارد که وقتی می گویند پسته خندان درجه یک انس ۲۵-۲۱، یک استاندارد ثابت وجود دارد و به این ترتیب خریدار اعتماد می کند و می داند که دارد طبق یک استاندارد تعریف شده خرید می کند.

اما پسته ای که ما تحویل چینی ها می دهیم و به لحاظ استانداردهای متفاوت که نشأت گرفته از رقابت منفی در فروش کالا می باشد، کارخانه دار چینی را متضرر می کند. وقتی پسته آب خندان با پسته طبیعی مخلوط بشود، پس از بیرون آمدن پسته برشته از دستگاه برشته کن، درصد پوست و مغز شدن پسته های آب خندان ها بالا است و تولید کننده چینی نمی تواند این محصول را داخل بسته بندی اش بریزد و بفروشد؛ پس درصد ضایعات چنین پسته ای بالاتر از پسته آمریکایی است. همان طور که مستحضر هستید، روش برشته کردن پسته آب خندان با پسته طبیعی از نظر دما و زمان متفاوت است و مخلوط این دو نوع پسته قبل از برشته کردن، ضایعات بیشتری دارد.

در چه مرحله ای از تجارت، پسته های آب خندان و طبیعی مخلوط می شوند؟ دانستن این موضوع کمکی می کند؟
ببینید! مخلوط کردن دو روش دارد. مصرف کنندگان پسته به ندرت فرق این دو نوع پسته را تشخیص می دهند. دو مرحله برای مخلوط

روبه روی خریدار تجاری هستیم و همان کسی است که می خواهد کالا را از ما بخرد، فرآوری کند، بسته بندی کند و به مصرف کننده بفروشد. قطعاً خریدار تجاری به قیمت خیلی توجه می کند و سعی دارد با قیمت مناسب تری پسته مورد نیاز خود را خریداری کند. اینکه تقاضا در بازار بالا برود و تأثیر روی قیمت بگذارد، درست است؛ اما ما باید رقیبان را هم ببینیم؛ یعنی توجه کنیم که رقیب ما با تولید بیشتر و کیفیت بالاتر با چه قیمتی وارد بازار می شود. درست است که ما الان شرایط خاصی داریم و می توانیم به این موضوع فکر کنیم که پسته مان را راحت تر به این بازار بفروشیم، ولی نمی توانیم به این فکر کنیم که پسته مان را گران تر بفروشیم؛ چون رقیب ما با عدد ۴۵۰ هزار تن تولید پسته امسال به این بازار توجه زیادی دارد و پسته محصولی است که نمی توانند آن را بیش از یکی دو سال نگه دارد و باید آن را بفروشد. بله! تقاضا بالا است. اگر ما تنها تأمین کننده این بازار بودیم، خوب بود تا آنجایی که می توانستیم با قیمت بالاتر می فروختیم.

پسته در بین خشکبار یک کالای لوکس است و خریدار هم خریدار لوکس است، ولی اگر بخواهیم آن را بین قشر متوسط جامعه ترویج کنیم، باید به فکر بودجه مصرف کننده هم باشیم. بازار رو به بزرگ شدن است، اما تا یک حدی کشش دارد. اگر قیمت از یک عددی بالاتر برود، بخشی از این بازار به مصرف سایر خشکبار روی می آورد. تجربه چندسال گذشته به ما نشان داده که قیمت پسته در چین سقف دارد.

در مجموع با توجه به پسته کم ما، تقاضای بازار چین و فرصتی که برای ما پیش آمده تا پسته را راحت تر بفروشیم، پیشنهاد من این است که امسال بکاریم برای سال آینده؛ یعنی با توجه به اینکه تقاضا وجود دارد و امکان این فراهم شده که پسته را با قیمت





کردن این پسته‌ها وجود دارد تا بتوانند قیمت رقابتی به وجود بیاورند. پسته‌های دهن بست را نمی‌توان به واسطه دهن بست بودنشان بیرون بریزیم. پسته‌های دهن بست یا مغز می‌شوند یا خندان می‌شوند. موضوع این است که اگر ما پسته طبیعی و آب خندان را به طور مجزا به کارخانه‌دار بفروشیم، کارخانه‌دار می‌داند که هر یک را چگونه برشته کند و سپس خودش می‌داند که اینها را چگونه با هم مخلوط کند. نگرانی خریدار تجاری چینی از صادرکننده ایرانی این است که پسته توسط صادرکننده مخلوط می‌شود. با این کار بازنده اصلی ما هستیم و پسته‌مان ارزان‌تر فروش می‌رود.

مگر الان استاندارد وجود ندارد؟

ببینید! من خودم واحد تولیدی دارم، صادرکننده و خریدار پسته هم هستم. بعضاً کیفیت پسته‌ای که در ایران به من فروخته شده و در هنگ‌کنگ تحویل گرفته‌ام را متفاوت دیدم و از این لحاظ قولی که به خریدارم داده بودم، طبعاً مورد سوال قرار گرفته شد.

به‌طورمثال، در فرایند صادرات، زمانی که می‌خواهیم پسته را صادر کنیم، یک نمونه را به اداره استاندارد می‌بریم و پلمپ می‌شود و از ارگان‌های ذیربط یک برگه می‌گیریم جهت تأیید کیفیت. اینجا یک مشکل عمده بروز می‌کند که نمونه‌ای را که به استاندارد تحویل می‌دهیم در اکثر موارد مطابق کل محموله صادراتی نمی‌باشد. بحث ما این است که کنترل بر استاندارد کالای صادراتی بشود. وقتی اجازه می‌دهیم که رقبای چینی ما وارد بازار داخلی شوند و مرزها را کنار می‌زنیم، پس باید کنترل‌مان را هم دقیق کنیم تا تاجر باسابقه و معتبر را حمایت کنیم.

الان بحث بر سر این است که در بازار پسته حرکت‌هایی در شرف انجام است که بسیاری خبر ندارند. آینده پسته ما با توجه به حرکت چینی‌ها در بازار داخلی ما در حال تغییر است و این بخش تجارت پسته به سادگی و بی‌صدا از دست صادرکنندگان معتبر و باسابقه ایرانی در حال خارج شدن است.

تنها موردی که می‌تواند به ما و کشاورزان ما کمک کند این است که استاندارد کیفی پسته حفظ شود و شرایط پسته صادراتی کاملاً کنترل شود.

خیلی واضح به شما بگویم. کشاورز ما امیدش به تاجر است. اگر

شما گفتید که یکی از روش‌ها در ورود پسته ایرانی به چین، حضور مستقیم تاجر چینی در مناطق پسته‌خیز ایران است. به عنوان یک تاجر پسته این موضوع را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

نظر من در مورد ورود مستقیم چینی‌ها به بازار ایران و خرید پسته این است که تجارت هیچ‌گونه مرزی ندارد. تجارت این است که ما به عنوان یک تاجر وارد بازار چین می‌شویم، کالای چینی خریداری می‌کنیم و به ایران وارد می‌کنیم؛ پس حق مسلم چینی‌ها است که اگر بتوانند وارد بازار داخلی ما شوند و پسته را به صورت مستقیم از بازار داخلی ما تهیه کنند.

این کار یکسری مزیت و ضرر دارد. ضررش این است که تعدادی از صادرکنندگان ما از بین می‌روند و کارشان را از دست می‌دهند. خوبی این کار این است که چینی‌ها با پسته ما آشنا می‌شوند و به این بازار عادت می‌کنند و برای اینکه خودشان بقا داشته باشند، مسیری را که به وجود آورده‌اند حفظ می‌کنند.

ولی بحث به جای دیگری برمی‌گردد، ما اگر بخواهیم این شرایط را حفظ کنیم و نیم‌نگاهی هم به تاجر خودمان داشته‌باشیم، ترجیحاً باید شرایط استاندارد دقیق و محکمی را برای صادرات پسته بگذاریم

که من در مجموع چقدر صادرات دارم؟ و در مجموع چقدر واردات دارم؟ به نظر من موضوع زیاد بفرنجی نیست. مملکت ما صادرات نفتی، صادرات فلزی و صادرات کشاورزی دارد. بخش عمده‌ای از این صادرات مربوط به سازمان‌های دولتی و نیمه دولتی است. ورودی ما مشخص است. منظور من ارزی است که وارد مملکت می‌شود. خروجی ارز هم که می‌شود واردات کالا به مملکت؛ آن هم مشخص است. به‌طور مثال، مراودات اقتصادی ما با کشور چین تقریباً چیزی حدود ۳۵ میلیارد دلار است و چین یکی از خریدارهای عمده نفت ما است. ما این رابطه را با هند و ترکیه و کشورهای دیگر هم داریم. به نظر من ارز قابل کنترل است. اینکه قیمت ارز را در هر پایه‌ای ثابت کنند، بهترین دواي این درد و نابسامانی است. یعنی اگر قرار است امروز ارز ما تبدیل شود به ۱۰ هزار تومان یا ۵ هزار تومان یا ۸ هزار تومان یا ۲۰ هزار تومان، یک روند ثابت را به خود داشته‌باشد.

یعنی تک نرخی باشد؟

تک نرخی و در واقع نوسان زیادی نداشته باشد. نوسانات ۱، ۲ درصدی در تمام ارزهای دنیا وجود دارد و حتی تا ۴، ۵ درصد هم می‌شود. این مسئله‌ای به وجود نمی‌آورد. ما حتی این توانایی را نداریم که با بانک‌های خودمان وارد معامله شویم. تاجر برای تجارتش وسیله

تاجر نتواند پسته‌اش را بفروشد و خودش را با شرایط بازار تنظیم کند، نمی‌تواند پسته کشاورز را بخرد. کشاورز یکسال هزینه کرده‌است و تا یک حدی تحمل دارد و بعد از این حد شروع می‌کند به پایین آوردن قیمت. شما تجسم کنید که روزی همه تاجر، چینی باشند و تاجر ایرانی حذف شده باشند و یکدفعه چینی‌ها تصمیم بگیرند که پسته نخرند، چه اتفاقی می‌افتد؟!

یکی از دغدغه‌هایی که مطرح کردید موضوع کیفیت بود. تاجر چه دغدغه‌مندی دیگری دارند؟

تاجر ما دغدغه‌ای با چینی‌ها ندارند و تا زمانی که به قول‌شان عمل کنند و به تعهدات و قراردادهایشان پایبند باشند، مشکلی با چینی‌ها ندارند. چینی‌ها در مقایسه با سایر مشتریان پسته، مشتریان خوبی هستند. هم بیعانه می‌دهند و هم پول را سر وقت می‌دهند. شما اگر به اروپا پسته بفروستید، بسته به اینکه خریدار از کدام بخش بازار باشد، پرداخت‌شان اکثراً یک‌ماهه است، اما خریداران چینی قبل از اینکه بارنامه را تحویل بگیرند، تسویه حساب می‌کنند؛ در واقع می‌توان گفت خریدار نقد هستند.

مشکلی از جانب مسائل ارزی وجود ندارد؟

بحث ارز از جنس مشکل و دغدغه خارج است، بلکه معضلی است که به حد بحرانی رسیده و گریبان کلیه صنایع و اقتصاد مملکت را گرفته‌است. کشاورز نگاهش به ارز است و لحظه به لحظه قیمت را طبق نوسانات ارز تغییر می‌دهد. تاجر نمی‌داند بخرد یا نخرد. این موضوع از بحران گذشته و عملاً تاجر ما را مجبور به تجارت پُرسک کرده‌است. مضافاً ما بخش‌نامه‌های مختلفی داریم که هر یک مضمون متفاوتی دارند. اگر قرار باشد تاجر، پسته را از کشاورز به نرخ ارز آزاد بخرند و سپس ارز حاصل از فروش پسته را به نرخ ارز دولتی بفروشند، باید با همان یکی دو کانتینر اولیه کل سرمایه کاری خود را تحویل بدهند و بروند!

اصلاً اگر به ما اجازه فروش ۱۰ هزار تومانی دلار را بدهند، به چه کسی باید بفروشیم؟ بحث من این بود ما می‌خواهیم این ارز را به بازار ارائه دهیم، کدام تاجر، با کدام مجوزی، اجازه واردات کالایی را دارد که بخواهد ارز ۱۰ هزار تومانی بخرد؟ ما امسال وضع پسته‌مان طوری است که با مانده سال قبل حدود ۱۰۰ هزار تن پسته بیشتر نداریم. این عدد را شما ضرب در عدد دلاری پسته که فروش می‌رود بکنید، به یک عدد تقریباً یک میلیارد دلاری می‌رسید که واقعاً عدد بزرگی است؛ عدد کمی نیست. با کدام سامانه و با کدام جریان، با کدام سیستم می‌شود این کار را کرد؟ من از زمانی که دلار تغییر کرده هیچ صادراتی انجام ندادم، به‌خاطر اینکه از عواقبش می‌ترسیدم.

شما به عنوان کسی که در بازار بین‌المللی کار تجارت انجام می‌دهید، فکر می‌کنید در قبال ارز، دولت چه تصمیمی می‌تواند بگیرد؟

من کارشناس کار خودم هستم و حجم فعالیت تجاری من خیلی کوچک‌تر از این حرف‌ها است که بخواهم در رابطه با اقتصاد کلان مملکت نظر دهم. ولی حداقل به اندازه مجموعه خودم فکر می‌کنم



و ۲- کیفیت کالایی است که به دست مشتری می‌رسد.

در پایان اگر صحبتی دارید بفرمایید.

برای جمع‌بندی حرف‌هایم باید بگویم که ما برای بقای پسته ایرانی:

۱- احتیاج به کیفیت بالا داریم (احتیاج به استانداردسازی داریم)

۲- ما باید فعالیت کنیم و در مورد پسته ایرانی در این بازار تبلیغات داشته باشیم.

خیلی از دوستان و مصرف‌کننده‌های چینی اصلاً پسته ایرانی را نمی‌شناسند. این کار

من نیست؛ این کار تاجرها نیست؛ این کار را یک گروه و یا یک موسسه باید با پشتوانه

دولتی انجام دهد. من عضو انجمن خشکبار چین هستم و این حرف‌هایی که می‌زنم

از زبان رده‌های بالای انجمن خشکبار چین است. آنها به من گفتند که از دولت‌تان

بخواهید که برای این کار سرمایه‌گذاری کند و یک سرمایه‌ای برای تبلیغ و ترویج در

ایام خاص در تلویزیون یا در هر جا تعیین کند. این کار چند نفر تاجر نیست. این کار

یک انجمن است یا کار یک گروه است. کار یک سیستمی است که دولت پشتیبانش

باشد.

بهبتر می‌شود. نوسان ارز و دو نرخ بودن ارز، نه صد در صد امروز، بلکه فرداً قطعاً عامل تباهی ماست.

اجازه دهید از این بحث خارج شویم. چه اشناری در چین مصرف‌کننده نهایی پسته هستند؟ آیا تا به حال تحقیقی شده؟

پسته با کیفیت‌های مختلف و بنا بر توان خرید افشار مختلف جامعه در بازار چین

عرضه می‌شود. البته مصرف‌کننده‌های پسته به کیفیت آن توجه می‌کنند.

به‌طورمثال، پسته‌های لوکس و درشت با کیفیت بالا، معمولاً در ایام خاص مثلاً عید

چینی‌ها مشتری دارند. یکی از سنت‌های مرسوم این است که پسته‌های با کیفیت را

برای کادو دادن خریداری می‌کنند. فروش اینترنتی هم که به صورت

بسته‌بندی‌های کوچک و گرمی انجام می‌شود، جایگاه وسیعی از بازار چین را

گرفته است. یکی از سیاست‌های فروش اینترنتی، تحویل کالاهای با کیفیت بالا

است. تنها چیزی که یک مجموعه فروش اینترنتی یا یک سایت اینترنتی را حفظ

می‌کند ۱- سرویس حمل و نقل منظم



می‌خواهد و یکی از مهم‌ترین وسیله‌های تجارت، نرخ ارز است.

تاجر ما مثل جراحی شده که چشمش را بسته‌اند و می‌گویند جراحی کن.

بزرگ‌ترین ضعفی که سیستم ارزی ما دارد، دو نرخ بودن ارز است و این موضوع

لطمه سنگینی به بدنه مملکت ما می‌زند. من در جایگاهی نیستم که وارد یکسری

جزئیات شوم و صحبت کنم. سیاست ارزی فعلی یک معادله خیلی ساده است. برای

به دست آوردن ارز ارزان‌تر هزاران ترفند و نقشه اجرا می‌شود، چون منافع دارند؛ ولی

برای ارز تک نرخ فقط کسانی که فعال واقعی اقتصادی هستند کار می‌کنند. من

مطمئن هستم روزی که حتی ارز ما به ۲۰ هزار تومان برسد، ولی فقط یک نرخ

داشته باشد، بعد از یک افت کوتاه مدت و یک حرکت خیلی آرام در زمان کوتاه، بازار

ما به حالت عادی برمی‌گردد و روزبه‌روز

واکاوی تاریخچه تولید و مصرف مغز سبز پسته در گفتگو با مهدی آگاه

زمرد پسته ایران

(قسمت اول)



۳۱ سال پیش، مهدی آگاه پس از بازگشت از سفر آلمان با دیدن یک بسته مغز سبز که قرار بود کلمپه خانگی را مزین کند و تداعی این نکته در ذهنش که مغز سبز برای آلمان‌ها خیلی قیمتی است، به عرصه ای گام نهاد تا محصولی در کمال زیبایی تولید کند؛ به طوری که برای مشتری در وهله اول غیرقابل باور بوده که رنگ آن واقعی است! در نهایت، مداومت و پافشاری آگاه در تولید و صادرات این محصول، زمینه‌ساز حضور پررنگ مغز سبز ایران در بازار اروپا می‌شود؛ تا جایی که دیگر در اروپا همه مغز سبز با کیفیت را می‌شناسند و می‌دانند که منشأ آن از ایران است. در ادامه جزئیات این رویداد تاریخی را از زبان وی می‌خوانید.

آقای آگاه! تاریخچه تولید و مصرف مغز سبز به چه زمانی بر می‌گردد؟

مغز سبز پسته به میزان اندک تقریباً ۸۰۰-۷۰۰ سال بود که شناخته شده بود و در اروپا به خصوص آلمان مصرف داشت. از زمانی که اعراب سیسیل را تصرف کردند کشت پسته در منطقه برونته در سیسیل رایج شد و مغز سبز پوست کنده آن به آلمان فرستاده می‌شد. همیشه یک مقدار کم مغز سبز، حدوداً سالی ۲۵۰ تن، از سیسیل به آلمان می‌رفت. آنجا هم در غذاهای خیلی لوکس، مثل سوسیس، کالباس و بستنی‌های گران قیمت مصرف می‌شد. ولی اکثر آلمان‌ها پسته آجیلی را تا دهه ۶۰ میلادی به هیچ‌وجه نمی‌شناختند؛ پسته در پوست را اصلاً ندیده بودند؛ اگر کسی به آنها پسته می‌داد با پوست به دهان می‌انداختند!

مغز سبز را اعراب به سیسیل بردند؟

کشت پسته را مسلمانان به سیسیل بردند. یکی دو رقم محلی وجود داشت که به عنوان مغز سبز به اروپا فرستاده می‌شد. امروز در سیسیل یکی دو رقم پسته محلی وجود دارد که به صورت مغز سبز هنوز به اروپا صادر می‌شود. متوسط سالیانه تولید آن ۲۰۰ تا ۲۵۰ تن است که همگی آن در دامنه کوه آتشفشانی ایتا در برونته تولید می‌شود.

غیر از مغز سبز سیسیل، از اوایل دهه ۶۰ میلادی تنها پسته دیگری که در حالت رسیده به صورت مغز سبز به اروپا صادر می‌شد مقدار کمی از پسته‌های قزوین بود که در حدود سالی ۴۰ تن مغز سبز بود و از آنجا توسط تجاری مثل حاج اصغر قدس به آلمان صادر می‌شد. در همان زمان افغانستان هم از پسته رسیده خود سالی حدود ۱۰۰ تن مغز سبز تولید می‌کرد. آن را تجار و شرکت‌های ایرانی از جمله شرکت صادرات پسته ایران (به مدیریت آقای جواد مرشد) از افغانستان می‌خریدند و در تهران با دستگاه‌های آلمانی دو پوست می‌کردند و با گواهینامه ایران به آلمان صادر می‌کردند. بنابراین تا آغاز دهه ۶۰ میلادی سیسیل تنها عرضه کننده مغز

سبز بود، اما از آن به بعد محصول قزوین و افغانستان هم اضافه شدند. در آن زمان سیسیل حدود ۲۵۰ تن، قزوین حداکثر ۵۰ تن و افغانستان هم ۱۰۰ تن مغز سبز تولید می‌کردند که جمعاً به حدود ۴۰۰ تن مغز سبز می‌رسید و کل آن به آلمان صادر می‌شد. بنابراین در آستانه دهه ۸۰ مصرف مغز سبز به حدود ۴۰۰ تن رسیده بود.

تولید مغز سبز چطور افزایش پیدا کرد؟

قبل از اینکه ایران در دهه ۹۰ میلادی به طور وسیع وارد این کار شود، به دنبال افزایش تقاضا، ترک‌ها شروع به چیدن پسته کال که مغزش سبز است کردند و آن را به اروپا صادر می‌کردند.

مگر ترک‌ها برای شیرینی‌جات خودشان از مغز سبز پسته کال استفاده نمی‌کردند؟

خیر، صرفاً برای صادرات مغز سبز تولید می‌کردند. این ترک‌ها بودند که مغز سبز پسته کال را به سایر بازارها بردند. اولین بار حدود سال‌های ۸۵ یا ۸۶ میلادی بود که ترک‌ها شروع به فرآوری پسته کال کردند و یک مقدار مغز به اسپانیا فرستادند. من سال ۱۹۸۷ برای بازدید از کارگاه‌ها به آنجا رفتم و متوجه شدم بیشتر به فرانسه و اسپانیا می‌فرستند. هیچ‌وقت نشنیدم که توانسته باشند مستقیم به آلمان بفرستند. چون آلمان‌ها به تجار ترکیه اعتماد نداشتند.

وضعیت قیمت مغز سبز در آن زمان چگونه بود؟

در سال ۱۹۸۶ قیمت مغز سبز پسته خیلی بالا رفته بود، ولی قیمت مغز معمولی ایرانی حدود ۶ مارک (ارزش هر مارک آلمان تقریباً نیم یورو بود) بیشتر نبود. قیمت پسته هم ۲ تا ۳ مارک بود. در آن زمان من در جلسه‌ای در آلمان شنیدم مغز سبز سیسیل در حدود ۳۶ مارک آلمان معامله می‌شود. در واقع به دلیل از بین رفتن محصول سیسیل در یک سال آور، بازار مغز سبز با کمبود شدیدی روبرو شده بود. این اختلاف خیلی شدید بین قیمت مغز و مغز

هم حق داشتند این‌طور فکر کنند، چون آن پسته به صورت کال چیده شده بود، پسته ممتاز بود و رنگش درست مثل زمرد بود. فکر می‌کردند ما مغزها را مثلاً با آب اسفناج جوشانده‌ایم یا رنگ اضافه کرده‌ایم که آنقدر سبز شده‌اند؛ باور نمی‌کردند که واقعی باشد! بالاخره یک شرکتی آنها را خرید و بسته‌بندی کرد و در فروشگاه‌هایی برای تزئین کیک توزیع کرد. اولین مغز سبز پسته‌ای که من فروختم همین ۸۰۰ کیلو بود. مغز سبزی که آقای مرتضوی فرستاده بود فروش نرفت! به این خاطر که ظاهرش کمی به هم مالیده و مات شده بود، بالاخره تابستان آنها را به ایران برگرداند و در داخل فروخت و دیگر هم این کار را ادامه نداد.

شما چطور؟ ادامه دادید؟

من سال به سال ادامه دادم. سال ۱۹۸۸ به سیسیل و ترکیه رفتم و از همه مناطقی که مغز سبز از آنجا به اروپا می‌رفت بازدید کردم که ببینم چطور کار می‌کنند و چه دستگاه‌هایی دارند. بعد به ایران برگشتم و ۸ تن مغز سبز عمل آوردم. ۳ تا ۴ سال طول کشید تا به حدود ۳۰ تن مغز سبز رسید؛ تا آن موقع تنها بودم. سال سوم یا چهارم بود که دیگر همه در اروپا مغز سبز باکیفیت را می‌شناختند و می‌دانستند که منشا آن از ایران است.

این حجم مغز سبز را به همان روش که توضیح دادید آماده می‌کردید؟

با معرفی شرکت پها (P-Ha) که دستگاه‌های پسته پوست‌کنی را می‌ساخت به برونته در سیسیل و بعد به شهر غازی‌آنتپ در ترکیه رفتم و از نزدیک کار این دستگاه را دیدم. دستگاه شامل دو غلتک بود که با سرعت‌های متفاوت ولی هم جهت می‌چرخیدند. این باعث می‌شد پوست پسته پاره شود، سپس با هوا پوست از مغز تفکیک می‌شد.

و شما آن دستگاه را خریدید؟

نخریدم! به شرکت سازنده گفتم می‌خواهم بخرم به این بهانه که به آن شهرها بروم و از نزدیک عملکرد دستگاه را ببینم، وگرنه قصد خرید نداشتیم. معقول هم نبود برای مقدار کمی مغز سبز که تازه می‌خواستیم شروع کنیم و نمی‌دانستیم اصلاً می‌شود فروخت یا نه، دستگاه بخرم.

دستگاه فعلی خمیرگیری را که در حال حاضر به صورت انبوه با آن پسته پوست می‌کنند را فکر می‌کنم شخصی به نام آقای نعمتی اولین بار برای آقای ارجمند ساخت. بعد بقیه هم شروع کردند به خریدن آن دستگاه.

البته دیده بودم که در قزوین مغز پسته خیس خورده را داخل گونی می‌کردند و با پا روی گونی راه می‌رفتند و به این شکل پوست را از مغز پسته جدا می‌کردند.

شما چطور عمل کردید؟

من دیدم روش قزوینی‌ها بهداشتی نیست، از این رو کیسه متقال محکم گرفتم، مغز پسته کال را به صورت دیگری می‌جوشاندم و کارگرها آن را با دست می‌مالیدند، خیلی هم خوب از آب در می‌آمد. این مغز شروع کرد تناژ پیدا کردن؛ یعنی آن ۸۰۰ کیلوپی که سال

سبز باعث شد چند نفر از ایرانی‌ها هم همانند تجار ترک به کار چیدن پسته کال و صادرات مغز سبز به اروپا علاقه‌مند شوند؛ مثل برادر کوچک‌تر آقای حسن مرتضوی، نماینده آن زمان تعاونی پسته رفسنجان در آلمان. به این ترتیب، کسانی که با بازارهای اروپایی کار می‌کردند کم‌کم متوجه این داستان شدند که می‌شود مغز سبز را در ایران به صورت کال چینی به عمل آورد.

چه شد که شما شروع به تولید مغز سبز کردید؟

من تابستان سال ۱۹۸۷ به آلمان رفته‌بودم. یک هفته بعد از اینکه برگشتم، در خانه یک بسته مغز سبز دیدم، پرسیدم از کجا آمده؟ گفتند خانم شفیع‌پور (خانمی بسیار خانه‌دار از خانواده‌های باغدار در رفسنجان) پسته‌ها را کال چیده و از مغز پوست شده آن برای تزئین روی کلمپه استفاده می‌کنند و یک بسته به منزل ما هم فرستاده‌اند. گفتم قیمت این پسته حدوداً ۳۶ مارک می‌شود، پس باید این کار را کرد. فصل پسته بود و هنوز دیر نشده بود. بررسی کردم و متوجه شدم رنگ پسته ممتاز از همه بهتر است. پس مقداری پسته ممتاز کال چیدم و دانه دانه به صورت دستی پوست کندم و ۸۰۰ کیلو مغز سبز درست کردم و به اروپا با هواپیما صادر کردم. جالب است که برادر آقای حسن مرتضوی هم همان سال کال چیده بود و ۷ تن مغز سبز تولید کرده‌بود.

گویا آماده‌سازی مغز سبز هم روش خاصی دارد.

در سال اول روش ما این بود که مغز پسته کال را چند ساعت در آب می‌گذاشتیم و بعد کارگر پسته‌ها را دانه‌دانه با دست پوست می‌کرد؛ ۸۰۰ کیلو پسته ۸۰۰ هزار دانه می‌شد! آقای مرتضوی هم از برادرش پرسیده بود چطور پسته‌ها را پوست کنند؛ او هم توصیه کرده بود که با یک پارچه زبر داخل ماشین لباسشویی بشکه‌ای کوچک (کهنه شور بچه) بریزند تا پوست شوند. ۸۰۰ کیلوپی که من فرستاده‌بودم اول فروش نرفت، چرا که گفته بودند رنگ سبز این مغزها زیادی قشنگ و خوب است، پس احتمالاً شیمیایی است. می‌گفتند نمی‌شود ایران چنین پسته‌ای داشته‌باشد. البته تا حدی



اول با دست دانه‌دانه پوست کندم در سال دوم به ۸ تن رسید که با روش کیسه مالی عمل آوردم. ما حدود دو کیلو مغز پسته کال در هر کیسه متقالی می‌ریختیم و کیسه‌ها را هر روز در آفتاب می‌گذاشتیم تا چند ساعت آفتاب بخورند؛ تا زمانی که من در کارگاه خودمان بودم از همان کیسه‌های متقالی استفاده می‌کردیم. بعدها دیگر آن کار را تعطیل کردم، ولی می‌شد با آن کیسه‌ها تا ۴۰۰ تن مغز سبز عمل آورد.

چرا ادامه ندادید و در آن مقطع کار را رها کردید؟

اگر اشتباه نکنم ۱۴ سال پیش و شروع بیماری‌ام بود. جدا از این، برادرم ایرج که کارهای صادرات مغز سبز را در تهران انجام می‌داد کسالت داشت و سنش هم بالا رفته بود. سوم اینکه سهام شرکتی را که در اروپا برای توزیع پسته و مغز پسته تشکیل داده بودیم به مدیر آلمانی آن شرکت فروخته بودیم.

در ایران به طور گسترده امکان تولید مغز سبز وجود دارد؟ یا حتماً باید رقم خاصی باشد؟

نیاز به رقم خاصی نیست. الان هر نوع پسته کالی پییده شود به فروش خواهد رسید. تفکیکی بین نوع و رقم نیست.

یعنی مهم نیست رنگش مثل پسته ممتازی که توضیح دادید، باشد؟

چرا، ولی گریدها فقط بر اساس شدت و ضعف رنگ مغز سبز هستند، دیگر خیلی کاری به جزئیاتش مثلاً اینکه سبزش زمردی باشد و بدرخشد، ندارند. قیمت خود پسته ممتاز الان خیلی بالا است، برای همین لزومی ندارد آن را کال بچینند. من شاید قبلاً گفتم پسته کال زرنندی بهترین پسته برای مغز سبز است، اما الان کسی نمی‌آید دو تن پسته گران بخرد فقط برای اینکه این دو تن رنگش با بقیه فرق می‌کند.

پس این امکان وجود دارد از هر جایی بتوانیم پسته کال برای مغز سبز برداشت کنیم.

بله، همه جا امکانش هست. در مناطقی نظیر راین در استان کرمان که تابستان‌های



خنک‌تری دارد، مغز پسته حتی تا آستانه رسیدن سبز می‌ماند.

غیر از شما چه کسانی وارد کار مغز سبز شدند؟

من مدتی بعد با آقای علی هنری برای تولید مغز سبز شریک شدم. محلی را به قیمت چهارده میلیون تومان در جاده تهران خریدیم و شروع کردیم به مغز کال عمل آوردن. سال بعد از آن بود که آقای جهانگیر ارجمند هم مایل بود وارد این کار شود، من به شریک آقای هنری گفتم اگر در این کار رقابت باشد خیلی بهتر است، چرا که بازار اروپا ککش دارد. آقای ارجمند هم با همان روش کیسه مالی شروع کردند به عمل آوری مغز سبز.

آقای گرمای و آقای عباس رسول زاده هم شروع کردند. حدود چهار رقیب شدیم برای صادرات مغز سبز. آقای رسول زاده بعد از یک سال و آقای گرمای بعد از دو سال این کار را رها کردند. آقای ارجمند جزو کسانی هست که تا به امروز کار را با کیفیت بالا ادامه داده است.

ناگفته نماند که آقای جلال‌پور هم بعد از اینکه کارگاه خود را تجهیز کرد در اوج صادرات مغز سبز یک سال تا ۷۰۰ یا ۹۰۰ تن صادر کرد. البته ما دیگر نبودیم. صادرات من متوقف شده بود. جای خالی من را تقریباً آقای جلال‌پور و آقای جهانگیر ارجمند پر کرده بودند. البته بعدها آقایان اکبر و احمد رنجبر، آقای فیروزی و آقای رضا نظری به جمع صادر کنندگان مغز

سبز پیوستند. در حال حاضر فکر می‌کنم میزان صادرات مغز سبز پسته ایران حدود ۱۸۰۰ تن باشد.

آمریکایی‌ها چگونه می‌توانند مغز سبز تولید کنند؟

برای آمریکایی‌ها چیدن پسته کال به دلیل بالا بودن هزینه‌های کارگری گران تمام می‌شود و هم اینکه بازار مغز سبز در آنجا وجود ندارد. فکر نمی‌کنم آمریکا کشوری باشد که به این سال‌ها مصرف کننده مغز سبز باشد.

شنیده‌ام آمریکایی‌ها نمی‌توانند مغز سبز تولید کنند چون مغزشان زرد و به دردنخور است.

هیچ مغزی از آغاز زرد نیست. بله، مغز پسته آمریکایی زرد است، اما وقتی رسید زرد می‌شود. من در شیلی دیدم که مقداری پسته‌کاری دارند و مغز سبز هم مصرف می‌کنند. پسته شیلی هم عمدتاً خندان نمی‌شود، چون به خاطر جریان آب سرد از قطب جنوب حرارت از ۳۲ درجه سانتی‌گراد بالاتر نمی‌رود. به همین دلیل پسته‌شان عمدتاً دهن بست می‌ماند. این دهن بست ماندن باعث می‌شود که به تولید مغز سبز روی آورند. الان باید تولید مغز سبز شیلی به ۴ تا ۵ تن رسیده باشد. در چند سال اخیر در کشور آرژانتین هم پسته‌کاری وسیع انجام شده که محصولشان در بازار به صورت کانتینر خرید و فروش می‌شود، ولی اطلاعاتی از اینکه امکان تولید مغز سبز آنجا وجود دارد یا خیر، ندارم.

بخش دوم این گفتگو در شماره بعدی

ماهانامه دنیای پسته ...

پاسخ مدیرکل دفتر نظام های بهره برداری و حفاظت آب و آبفا درباره مقاله

«چرا قوانین نقش بر آب می شوند؟»

موضوع: پاسخی در باب مقاله با عنوان «چرا قوانین نقش بر آب می شوند؟» چاپ شده در شماره ۲۸ (سال سوم - مردادماه ۹۷)

با سلام،

در رابطه با مقاله ای با عنوان «چرا قوانین نقش بر آب می شوند؟» چاپ شده در شماره ۲۸ (سال سوم - مردادماه ۹۷) مراتب زیر اعلام می گردد، خواهشمند است دستور فرمائید با توجه به قانون مطبوعات کشور، به نحو مقتضی نسبت به چاپ توضیحات مذکور اقدام شود. ۱- پروانه بهره برداری چاه ها طبق مواد ۳ و ۴ قانون توزیع عادلانه آب بر اساس پتانسیل آبخوانهای کشور صادر می شود و معضل اصلی وقوع پدیده شوم افت سطح آب زیرزمینی و کسری حجم مخزن که باعث پیشروی آب شور به سمت آب شیرین و حتی پدیده فرونشست شده، غالباً در اثر برداشت های غیر مجاز (توسط چاههای غیر مجاز و اضافه برداشت چاههای مجاز)، کاهش بارندگی و عدم تغذیه آبخوانهای بوده است. به عنوان مثال مقایسه ای بین کسری حجم مخزن، مصارف صنعت و خدمات و شرب و برداشت چاههای غیر مجاز در برخی از دشت های استان کرمان، اعلام می گردد:

ردیف	نام محدوده مطالعاتی	حجم برداشت چاه های مجاز (میلیون متر مکعب - mcm)		حجم برداشت چاه های غیر مجاز (میلیون متر مکعب - mcm)		چاه های غیر مجاز تا پایان سال ۸۵ اصطلاحاً فاقد پروانه	نام	محدوده مطالعاتی	
		متوسط حجم مخزن سالانه بر حسب میلیون متر مکعب (mcm)	کسری حجم مخزن تجمعی میلیون متر مکعب (mcm)	کشاورزی					چاه های غیر مجاز پس از ابتدای سال ۸۶
				صنعت و خدمات	اضافه برداشت				
۱	سیرجان	۶۹/۳۸	۲۲۲۰/۰۳	۱۹/۱۰	۳۰	۱۹۸/۸۷	۲/۶۰	۴/۷۰	
۲	رفسنجان	۱۳۱/۳۹	۴۱۱۴/۱۶	۹/۳۹	۳۳/۷	۵۰۶/۶	۱۱/۴۵	۳	
۳	کرمان	۵۲/۳۱	۱۶۸۳/۸۰	۰	۱۱/۰۲	۳۱۸/۹۸	۲/۳۱	۲/۳۳	

۲- موضوع مورد بحث در این یادداشت ناظر بر انتقال اجازه مصرف آب از یک زمین به زمین دیگر است که موضوع ماده ۲۷ قانون توزیع عادلانه آب است نه ماده ۲۸. این قانون در ماده ۲۷ چنین مقرر شده است که: «پروانه مصرف آب مختص به زمین و مواردی است که برای آن صادر شده مگر آنکه تصمیم دیگری بوسیله دولت در منطقه اتخاذ شود» اما در قانون مذکور، ماده ۲۸ مقرر می دارد «هیچکس حق ندارد آبی را که اجازه مصرف آن را دارد به مصرفی به جز آنچه در پروانه قید شده برساند همچنین حق انتقال پروانه صادره را به دیگری و بدون اجازه وزارت نیرو نخواهد داشت مگر به تبع زمین و برای همان مصرف با اطلاع وزات نیرو».

با تعمق در مواد مذکور می توان نتیجه گرفت:

الف) پروانه مختص زمین و مواردی است که برای آن صادر شده مگر آنکه تصمیم دیگری در منطقه بوسیله «دولت» اتخاذ شود. مثلاً به علت کمبود آب شرب در منطقه ای دولت به طور موقت از آب چاههای کشاورزی تحت شرایطی اجازه شرب صادر نماید، یا برای تأمین آب یک طرح صنعتی بزرگ، اجازه استفاده و انتقال آب یا مجوز آب چاههای کشاورزی برای این طرح صنعتی را صادر نماید. بدین ترتیب انتقال مجوز مصرف/ پروانه بهره برداری آب به زمین دیگر که در این یادداشت وزارت نیرو به ممانعت از آن علل منتسب شده است، نیاز به اجازه دولت دارد و وزارت نیرو بدون آن نمی تواند اجازه این کار را در یک منطقه صادر نماید.

ب) ماده ۲۸ قانون یاد شده اشاره به این دارد که تغییر نوع مصرف از سوی دارنده یک مجوز/ پروانه بهره برداری و نیز انتقال مجوز/ پروانه بهره برداری به غیر، فقط با اجازه وزارت نیرو امکانپذیر است اما اگر انتقال پروانه همراه با زمین تحت شرب باشد و یا برای همان مصرف اولیه مندرج در پروانه، نیازی به اجازه وزارت نیرو نبوده و صرف اطلاع دادن کفایت می کند. آنچه که در یادداشت یاد

۹۱/۰۸/۲۹) اولاً مربوط به دفتر حقوقی وزارت نیرو نیست ثانیاً متن آن هیچ همسویی با توجیهات نویسنده نداشته و متن آن متفاوت از متنی است که در یادداشت نویسنده نقل شده است.

۶- در بخش های دیگری از یادداشت به این نکته اشاره شده است که برخی صنایع مجوز برداشت آب صنعتی را به مصارف دیگر (کشاورزی) تغییر داده اند و یا در برخی مناطق انتقال آب کشاورزی به اراضی دیگر (اراضی غیر آبخور اولیه) از سوی مالکان آب اتفاق افتاده است و وزارت نیرو ممانعت یا برخوردی انجام نداده است. این اقدامات با قوانین و ضوابط موجود سازگاری نداشته و در صورت شناسایی این موارد شرکتهای آب منطقه ای و سازمان آب و برق خوزستان ملزم به برخورد قانونی با متخلفین هستند، لازم است نویسنده مصادیق و مستندات مورد نظر را ارائه نماید تا مورد بررسی و رسیدگی قرار گیرد.

جهت مزید استحضار خوانندگان گرامی آن ماهنامه وزین برنامه های فعلی و آتی وزارت نیرو را در اجرای مواد ۲۷ و ۲۸ قانون توزیع عادلانه آب در ایجاد بازار محلی آب اعلام می دارد.

اجرای مواد ۲۷ و ۲۸ قانون توزیع عادلانه آب به شکلی که اجازه مبادلات آبی را بدهد می تواند زمینه ساز بازار آب باشد. این امر به عنوان یکی از پروژه های مصوب شورای عالی آب در سال ۱۳۹۳ منظور شده و در وزارت نیرو به صورت پایلوت در برخی از دشتهای کشور در دست پیگیری است. باید توجه داشت که این کار بستریایی نیاز دارد که برخی از آنها عبارتند از: شناسایی برداشت های غیر مجاز و جلوگیری از آنها، اصلاح پروانه های بهره برداری و نصب کنتور هوشمند و ابزار اندازه گیری، در غیر اینصورت مسائل و مشکلاتی از قبیل احیای چاههای متروکه، افزایش اضافه برداشت از چاهها، افزایش کف شکنی و جابجایی چاهها، فروش چاههای بزرگ مالکان به افراد مستضعف علیرغم افت شدید آب دشت و ایجاد مسائل اجتماعی در آینده، دور از انتظار نیست.

با ایجاد بسترهای فنی فوق الذکر و نیز تصویب مقررات مورد نیاز از سوی ارکان پیش بینی شده در نظام بازار آب و تأیید آن در سطح دولت، می توان نسبت به توسعه بازار آب و مبادلات آبی مورد نظر نویسنده یادداشت، اقدام نمود. با اینحال وزارت نیرو تا قبل از انجام و مهیا شدن این بسترها آمادگی دارد به شرط تحقق موارد زیر از سوی بهره برداران و ذینفعان دشتهای، اجازه مبادلات آبی را در مناطقی به صورت پایلوت بررسی نماید:

- در دشت پایلوت تمام منابع و چاههای غیر مجاز پر و مسلوب المنفعه شوند و با نصب کنتور حجمی هوشمند از اضافه برداشت های مجاز جلوگیری شده باشد.

- اطلاعات مربوط به منابع و مصارف آب و پروانه های بهره برداری این دشت در یک سامانه اطلاعاتی شفاف به صورت آنلاین قابل دسترس همگان باشد.

- تشکل های بهره برداران آب دشت برای حفاظت و بهره برداری دشت ایجاد شده باشد و خود آنان نظارت و مدیریت حفاظت و بهره برداری منابع آب قبول نمایند.

هدف وزارت نیرو در تعادل بخشی دشت یعنی رسیدن حجم برداشت به حجم آب قابل برنامه ریزی، محقق گردد و نتیجه همکاری تشکل و شرکت آب منطقه ای در تعادل بخشی دشت، در نمودار تغییرات سطح آب زیرزمینی دشت هیدروگراف مشهود باشد.

جواد میبیدی

مدیر کل دفتر نظام های بهره برداری و حفاظت آب و آبفا

شده مورد پیگیری است، قانع کردن وزارت نیرو به صدور اجازه برای انتقال آب یا انتقال تخصیص آب مندرج در یک مجوز/ پروانه بهره برداری به اراضی غیر از زمین تحت شرب فعلی پروانه برای مصارف کشاورزی است؛ که در هر حالت ارتباطی به تغییر نوع مصرف آب (موضوع ماده ۲۸) ندارد.

۳- نویسنده مقاله در فرازی از مطلب به عدم موافقت وزارت نیرو با انتقال آب درون حوضه ای برای افزایش بهره وری پرداخته و عنوان می دارد که استناد وزارت نیرو در این مخالفت مواد ۲۷ و ۲۸ قانون توزیع عادلانه آب و بند ه ماده ۴۵ قانون توزیع عادلانه آب است. باید عنوان داشت که علاوه بر موارد فوق، برای مصارف کشاورزی روح قوانین جاری حاکی از آن است که آب وابسته به زمین است. در زیر مختصری از مواد متعددی که تأییدکننده این موضع است، ارائه می شود:

مواد مندرج در قانون توزیع عادلانه آب:

* ماده ۲۶: ... وزارت نیرو ... میزان مصرف آب را با توجه به نوع محصول و میزان اراضی تعیین و بر اساس آن اقدام به صدور اجازه بهره برداری می نماید.

* ماده ۲۷: پروانه مصرف آب (همان اجازه بهره برداری مذکور در ماده ۲۶) مختص به زمین (برای کشاورزی) و مواردی است (سایر مصارف) که برای آن صادره شده ...

مواد مندرج در آئین نامه اجرائی فصل دوم قانون توزیع عادلانه آب:

* ماده ۱: ارائه اسناد مالکیت و مدارک طبق فرم شماره ۱ منضم به آئین نامه که محل مصرف، نوع تصرف و میزان آب مورد تقاضا برای اراضی مشخص شده است.

* ماده ۳: کارشناس در بهترین نقطه اراضی تعیین محل حفز چاه می نماید و امکان استحصال بهره برداری متناسب با مساحت اراضی را مشخص می نماید.

* ماده ۱۱- بند اول از شروط بررسی درخواست چاه بجای چاه یا قنات دلالت بر وابستگی آب به زمین دارد «اولاً از آب چاه یا قنات جدید فقط زمین های آبیاری می شوند که قبلاً از چاه یا قنات قبلی مشروب می شده اند»

* بند ۵- تبصره ۲ ماده ۶ آئین نامه اجرائی قانون تعیین تکلیف چاههای فاقد پروانه، یکی از مصادیق تخلف دارندگان پروانه بهره برداری چاههای مجاز و فعال کشاورزی را «انتقال آب به اراضی غیر آبخور اولیه چاه» عنوان نموده است.

* ماده ۱۳ آئین نامه اجرائی قانون تعیین چاههای آب فاقد پروانه نیز برای کف شکنی و جابجایی چاهها شروط مقرر در ماده ۱۱ آئین نامه اجرائی فصل دوم قانون توزیع عادلانه آب یعنی شروط اولاً را لازم الاجرا دانسته است. اولاً از آب چاه یا قنات جدید فقط زمین های آبیاری می شوند که قبلاً از چاه یا قنات قبلی مشروب می شده اند.

۴- در خصوص تغییر کاربری و جایگزین تخصیص نمودن چاههای مجاز و فعال کشاورزی با استفاده از دستورالعمل مواد ۲۷ و ۲۸ قانون توزیع عادلانه آب برای صنایع و خدمات، قابل ذکر است که بر اساس سند راهبردهای توسعه بلند مدت منابع آب (مصوب ۱۳۸۲ هیئت وزیران) وزارت نیرو موظف است تا میزان مصارف بخش کشاورزی را ظرف مدت ۲۰ سال از ۹۲ درصد فعلی به ۸۷ درصد برساند. در راستای اجرای سیاست یاد شده و برای رفع معضل بیکاری و اشتغال و با توجه به شرایط بحرانی منابع آب کشور، باید آب را در مصارفی با بهره وری بیشتر مصرف نمود.

۵- نامه ای که با هدف تأیید نظرات نویسنده یادداشت و مورد استناد نویسنده قرار گرفته است (نامه شماره ۹۱/۱۴۱/۱۷۰۶۹ مورخ

انداختن زنگوله به گردن گربه

محمدباقر شیخ الاسلامی

عضو هیأت امنا انجمن پسته ایران

می‌دهند.

- به تناسب کمبود آب منابع در تولید غذا بایستی تغییراتی در سبذ غذایی خود به وجود آوریم و از محصولاتی استفاده کنیم که در تولیدشان نیاز به آب کمتری است. چرا علی‌رغم بیش از یک دهه خشکسالی به فکر جایگزینی برای گوشت با ۱۵ تن مصرف آب (به ازای تولید هر کیلو) یا برنج و امثالهم نبوده‌ایم و هنوز هم به دنبال ایجاد منابع آب جدید برای ادامه اسراف کاری‌هایمان هستیم؟

- سریعاً و با هر قیمت بایستی توسط نصب کنتور برداشت از چاه‌های مجاز کنترل گردد.

- با باز تعریف امنیت غذایی و رعایت حریم آن از الگوی کشت جدیدی حمایت کنیم که در قبال صرف منابع آب اشتغال بیشتری ایجاد کند و منابع ارزی فزون‌تری به ارمغان آورد.

- نه تنها صادرات محصولات آب بر کشاورزی بایستی متوقف گردند، بلکه استراتژی‌ها بایستی واردات این‌گونه محصولات در عوض تولید آنها در داخل کشور باشد.

- آبیاری نوین و هوشمند همچنان بایستی مورد حمایت باشد و مقدار آب صرفه‌جویی شده صرف گسترش سطح زیر کشت نشود. هر قدر بتوانیم آب دشت‌هایی که به بحرانی دشت رفسنجان و دشت سروستان نیستند را زودتر وارد مدیریت مشارکتی کنیم، شانس بیشتری برای آن مناطق وجود خواهد داشت. پیش شرط شروع این مسئله آن است که دولت در دشت‌های بحرانی که مردم براساس ضرورت به فهم مشترک در مورد آب رسیده‌اند، پایلوت‌هایی را اجرا کند و به مردمی که به این فهم مشترک رسیده‌اند اختیار دهد. اگر در این دشت‌های بحرانی پایلوت‌هایی اجرا شود خیلی زود راه حل‌های موثر انتشار پیدا خواهند کرد.

گزاره گویی نبود وقتی که گفتند بحران آب حیات و تمدن ایران زمین را به ورطه نابودی خواهد کشاند و حکیمانانه است اگر بگوییم روند طی شده با حکمرانی دولتی ما را بدین جا رسانده‌است و قطعاً با همان نسخه نجات نخواهیم یافت.

وضعیت امروز ما بی‌شبهت با این داستان زاکانی نیست. صورت مسئله مشکلات آب را تقریباً همه کم و بیش می‌دانند و سرفصل‌های ارائه شده در کاهش اثر بحران و تغییر روند کنونی را نیز می‌شناسند. سرفصل‌هایی همچون:

- مدیریت مشارکتی منابع آب
- بازار آب
- تغییر الگوی کشت
- تغییر سبذ تغذیه خانوار
- آب مجازی
- آبیاری نوین و هوشمند
- مدیریت بقایا
- کاهش ضایعات
- محترم شمردن حقابه تالاب‌ها و محیط زیست
- مدیریت تقاضا
- کنترل چاه‌های غیر مجاز
- کنترل هوشمند آب و برق

همه گفته‌اند و شنیده‌اند، اما در برخورد با سد محکم و نفوذناپذیر حکمرانی ناکارآمد دولتی بر منابع آب در بیش از نیم قرن گذشته ره به جایی نبرده‌اند.

مسئله آب و راه حل‌های آن نباید یک پرونده بسته باشد. ماهنامه دنیای پسته باید پرونده مسئله آب را باز نگه دارد و به‌طور مداوم با اعضا در ارتباط باشد تا هر کس تجربه و راه حل خود را به موضوع اضافه کند.

بیاوریم از امروز در این اندیشه باشیم که چگونه می‌توان متولیان دولتی آب را قانع کرد تا با انعطاف‌پذیری کار مردم را به مردم واگذارند.

زمان زیادی تا پایان ضرب‌العجل طبیعت برای دشت‌هایی که هنوز رمقی برای ادامه حیات دارند، باقی نمانده‌است. پس شایسته است تا به سرعت به این نتیجه برسیم که:

- بازار آب استفاده بهینه از آب است و کالا قیمتی پیدا می‌کند که قابلیت خرید و فروش داشته باشد.

- هر زمان که بهره‌برداران در تدوین قوانین و سیاست‌گذاری‌های حفاظت از آب مشارکت داشته باشند در اجرای آن هم همکاری نشان



در منظومه موش و گربه عبید زاکانی آمده، روزگاری بود مثل روزگار ما، گربه‌ها دشمن موش‌ها بودند و هر جا موشی به چنگ‌شان می‌افتاد می‌خوردند.

تعداد زیادی موش در خانه‌ای بزرگ لانه کرده‌بودند، در آن خانه گربه‌ای زندگی می‌کرد. زندگی برای موش‌ها سخت شده‌بود و هیچ موشی از ترس گربه صاحب‌خانه جرأت نداشت سر از لانه بیرون کند، چون بلافاصله خوراک گربه می‌شد.

موش‌های بیچاره بارها و بارها جلسه تشکیل دادند، N.G.O درست کردند، همفکری کردند تا نهایتاً یکی از موش‌ها گفت راه چاره را پیدا کردم. ما زنگیم و تند می‌دویم؛ اگر از آمدن گربه به موقع با خبر شویم می‌توانیم فرار کنیم. پس باید زنگوله‌ای تهیه کنیم و آن را به گردن گربه ببندیم تا به موقع از آمدن گربه باخبر شویم و فرصت فرار داشته‌باشیم. همه موش‌ها به این فکر بکر آفرین گفتند و متفق‌القول بودند که این فکر جواب می‌دهد. اما مشکل کار، انداختن زنگوله به گردن گربه بوده و هست.

نقدی بر مقاله «با بحران آب چه کنیم؟»

امید ناصری

عضو پیوسته انجمن پسته ایران



کاش اگر قرار است سالی مینا قرار گیرد از زمان صدور مجوزهای تبصره ۳ آغاز شود!

نکته دیگر، اینکه می‌فرمایید پروانه چاه‌های یک دشت باید با توجه به توان دشت تعدیل گردد، آیا به این معنا است که این کار به صورت فله‌ای و بدون توجه به کیفیت متفاوت زمین‌های یک دشت، میزان پروانه، دبی آب، میزان برداشت محصول، سطح زیر کشت و میزان اُفت آب هر سفره همه چاه‌ها و با هم به‌طور مساوی انجام می‌شود؟ و از پروانه‌ها به یک اندازه کسر می‌شود؟ آیا این کار با ایجاد بالاترین بهره‌وری از آب، متناقض نیست؟!

به‌نظر حقیر، بهترین راهکار این است که دولت اشتباهات خود را بپذیرد و قبول کند، اگر امروز اینجا هستیم در اثر اشتباهات متعدد دولت از گذشته تاکنون است. حاکمیت باید تقسیم آب و حفاظت از منابع را به خود کشاورزان بسپارد تا هم از رانت و فساد مجدد جلوگیری کرده باشد و هم کشاورزان این مسابقه مصرف بیشتر را تعطیل کنند. همچنین کشاورزان بتوانند از طریق ادغام چاه‌ها و انتقال آب به زمین‌های مرغوب و مدیریت منابع آب و زمین و بهره‌وری و تولید ثروت بیشتر، هزینه‌های واقعی آب را بپردازند و عمر منابع آب افزایش یابد.

مناطق خشک و بی‌آب در حال دریافت مجوز هستند، فقط برای اینکه هنوز مسئولان بحران را باور نکرده‌اند! اما نقد سوم به عدد ۱۱ هزار چاه غیر مجاز است. شما فرموده‌اید، چون عموماً این چاه‌ها متعلق به مستضعفین هستند، بستن آنها به این سادگی‌ها نیست (یعنی از بستن آنها صرف نظر کنیم)! با خواندن چندین باره جمله شما به این باور رسیدم که هنوز تفکر حمایت از توده در بدنه وزارت نیرو وجود دارد! اگر نقبی به تاریخ معاصر کشور بزنیم، متوجه خواهیم شد که تمام بلاهایی که بر سر منابع آب، محیط زیست و کشاورزی ما از اصلاحات ارضی تاکنون آمده در ظاهر و برای رضایت توده مردم یا برای جلوگیری از ناراضی‌توی توده مردم بوده که الان به اینجا رسیده ایم و هیچ برنامه حساب شده‌ای برای محافظت از آنها وجود نداشته است. شما متوجه نشده‌اید وقتی چاهی غیر مجاز است یعنی هیچ نظارت و آماری در مورد آن وجود ندارد. بر خلاف نظر شما، این چاه‌ها ابتدا متعلق به اقشار ضعیف نیستند؛ بلکه متعلق به اقشار گردن کلفت و یا ژن‌های خوب هستند که توانسته‌اند تاکنون از هرگونه اجرای قانون و نظارتی جلوگیری کنند و به دلایل متعدد، کمترین بهره‌وری را دارند. با این رویکرد، کماکان مانند همه مصوبه‌های حاکمیتی، تنبیه قانون مداران و تشویق قانون شکنان رخ نموده است. این کار ترویج و تشویق بی قانونی و قانون شکنی است.

در ادامه مطلب هم جملات شما متناقض است که برای جلوگیری از اطلاع کلام از آن می‌گذرم و به چند راهکار ساده وزارت نیرو می‌پردازم. راهکار مجوز دادن به چاه‌های غیر مجاز بر چه اساس و مستندات صورت گرفته؟ عدد ۲۵ متر مکعب را چگونه محاسبه کرده‌اند؟ مینا قرار دادن سال ۱۳۸۵ از کجا آمده است؟

جناب مهندس زراعتکار، وقتی مقاله شما را در ماهنامه شهریورماه ۱۳۹۷ (شماره ۲۹) انجمن پسته ایران خواندم، ضمن احترام به اندیشه شما، متوجه شدم شما معلول را خوب تجزیه و تحلیل کرده‌اید، ولی در بیان علت و راهکار به بیراهه رفته‌اید. در این نقد سعی می‌کنم به‌طور مختصر مخالفت خود با استدلال‌های شما را مطرح کنم.

شما در ابتدای راهکار فرموده‌اید: «حدود ۱۳۰۰ حلقه مربوط به تأمین آب شرب و صنعت است که عملاً امکان کاهش برداشت از آنها وجود ندارد!» به نظر می‌رسد، شما ابتدا توجه نکرده‌اید که آب شرب، حیاتی‌ترین و گرانترین آب در تمام دنیا است. غیر از اینکه هزینه سنگین تصفیه و میکروب زدایی آن از جیب ملت است، مگر چند درصد از آب‌های دنیا قابل شرب هستند که ما در منطقه بحرانی کرمان نتوانیم مصرف آن را کاهش دهیم؟! هم اکنون، روزانه هزاران متر مکعب از آب شربی که شاید هر لیتر صرفه‌جویی آن توسط تک تک مردم بتواند نابودی شهر و یا روستایی را به تأخیر بیندازد، در اثر شبکه فرسوده توزیع و سوء مصرف که از آن برای شستشوی اتومبیل، حیاط، خیابان و آبیاری باغچه و آبیگری استخر استفاده می‌کنند، هدر می‌رود؛ فقط برای اینکه هزینه واقعی آب دریافت نمی‌شود.

آب صنعت را هم غیر قابل کاهش دانسته‌اید! همان‌طور که از ظاهر امر پیداست، صنعت توان مالی انتقال آب از دریا یا منابع جدید و استحصال آن برای مصرف را دارد (همان‌طور که مس سرچشمه و گل‌گهر در حال اجرای انتقال آب از دریا هستند) و یا امکان جابجایی صنایع آب‌بر به مناطق پر آب وجود دارد و همچنین می‌تواند قیمت واقعی آب را بپردازند! این در حالی است که ما هنوز شاهد آن هستیم که کارخانجات و صنایع آب‌بر در

فلفل نبین چه ریزه

تلگرام نوشت دکتر محمد فاضلی
عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی

دارد)، سرعت انتقال برق و سهولت بیشتر آن امکان می‌دهد تا کمبود برق را حتی از کشورهای دیگر هم تأمین کرد، اما آب اصلاً این گونه نیست. هزینه انتقال آب بسیار زیاد است و ساخت خطوط انتقال نیز سال‌ها طول می‌کشد. مردم ایران امروز هر متر مکعب آب را با قیمت حدود ۴۷۰ تومان مصرف می‌کنند. قیمت آب در برخی پروژه‌های انتقال آب که امروز درباره آن‌ها بحث می‌شود، بین متر مکعبی ۵ هزار تا ۱۳ هزار تومان در نوسان است. آیا شما حاضرید این رقم را بابت قیمت آب بپردازید؟ (تصور کن، اگر چه تصور کردنش سخت است)

پنجم، کم شدن آب کشاورزی می‌تواند با تغییر دادن اشتغال کشاورزان، صنعتی شدن و وارد کردن محصولات کشاورزی و تأمین غذا (البته به سختی و با پی‌آمدهای سنگین) جبران شود؛ اما آب شرب را در مقیاس کلان نمی‌توان وارد کرد. آب شرب از این منظر، اهمیت اجتماعی، سیاسی و حتی امنیتی دارد. ششم، منابع آب شرب برخی مناطق، بسیار خاص است و برای مثال چاه‌های محدودی برای تأمین آب شرب وجود دارد. این گونه نیست که بتوان منابعی را به راحتی جایگزین این چاه‌ها کرد. بنابراین هدررفت چنین آبی، قابل مقایسه با منابع آب بخش کشاورزی نیست.

این دلایل سبب می‌شوند مقایسه آب شرب و آب کشاورزی از اساس نادرست باشد. ما باید هم‌زمان به فکر اصلاح بدمصرفی کشورسوز خود در زمینه آب و انرژی باشیم؛ و هر دو عرصه شرب و بهداشت، و کشاورزی را هم هدف بگیریم. فلغلی بودن اندازه آب شرب و بهداشت (فلغل سیاه ریز و تیز) در مقابل درشت بودن مقدار آب کشاورزی (شاید مثل فلغل دلمه‌ای) نباید سبب شود، صرفه‌جویی در آب شرب را بی‌اهمیت تلقی کنیم. آب شرب و آب کشاورزی اگر چه هر دو آب هستند، اما این تشابه ظاهری نباید تفاوت‌های اساسی آن‌ها را نادیده بگیرد.

آب کشاورزی نمی‌کنید؟» این گونه عبارات دو بخش دارند. بخش اول درست است که حجم آب مصرف‌شده در بخش شرب و بهداشت در کل ایران نسبت به بخش کشاورزی کم است. اگر چه در برخی شهرها (بالاخص شهرهای بزرگ مثل تهران، اصفهان و شهرهای بزرگ) حتی آب کشاورزی نیز برای شرب مهیار می‌شود. حدود شش میلیارد متر مکعب برای شرب و بهداشت شهری و روستایی مصرف می‌شود (این همان فلغل نسبتاً ریز است در مقابل آب کشاورزی). گفته می‌شود مقدار آب کشاورزی ده پانزده برابر این مقدار است. اما درباره بخش دوم، یعنی کم‌اهمیت بودن صرفه‌جویی در آب شرب نکات زیر را هم باید مد نظر داشت. اول، آب شرب اهمیت حیاتی دارد و کمبود آن به سرعت به مسأله‌ای اجتماعی با پی‌آمدهای دردآور برای زندگی مردم بدل می‌شود. تصور کنید سه روز آب منزلتان قطع شود (تصور کن، اگر چه تصور کردنش سخت است).

دوم، گاه هزینه تولید هر متر مکعب آب شرب (حتی در اقتصاد یارانه‌ای ایران) حدود ۱۰۰۰ تومان است و ده‌ها و گاه بیش از صد برابر هزینه تولید آب کشاورزی است، پس هزینه هدررفت هر لیتر آب شرب هم ده‌ها برابر هدر رفت هر لیتر آب کشاورزی است.

سوم، اهمیت آب به‌طور کلی، و آب شرب در هر منطقه، تابع اقلیم و ظرفیت‌های منطقه، و امکان‌پذیری دست یافتن به منابع آب بیشتر است. برای مثال هر چه منابع آبی در دسترس بوده برای تأمین آب شرب تهران بهره‌برداری شده‌است و تقریباً منابع آبی دیگری وجود ندارد. وقتی آب بیشتری وجود ندارد، یعنی دیگر قیمت و نسبت آب شرب به کل آب کشاورزی کشور مهم نیست. همین آب موجود را باید با صرفه‌جویانه‌ترین شکل استفاده کرد.

چهارم، آب بر خلاف برق یا گاز، به راحتی قابل انتقال نیست (البته انتقال برق و گاز هم هزینه سنگین و ملاحظات و پی‌آمدهای زیادی



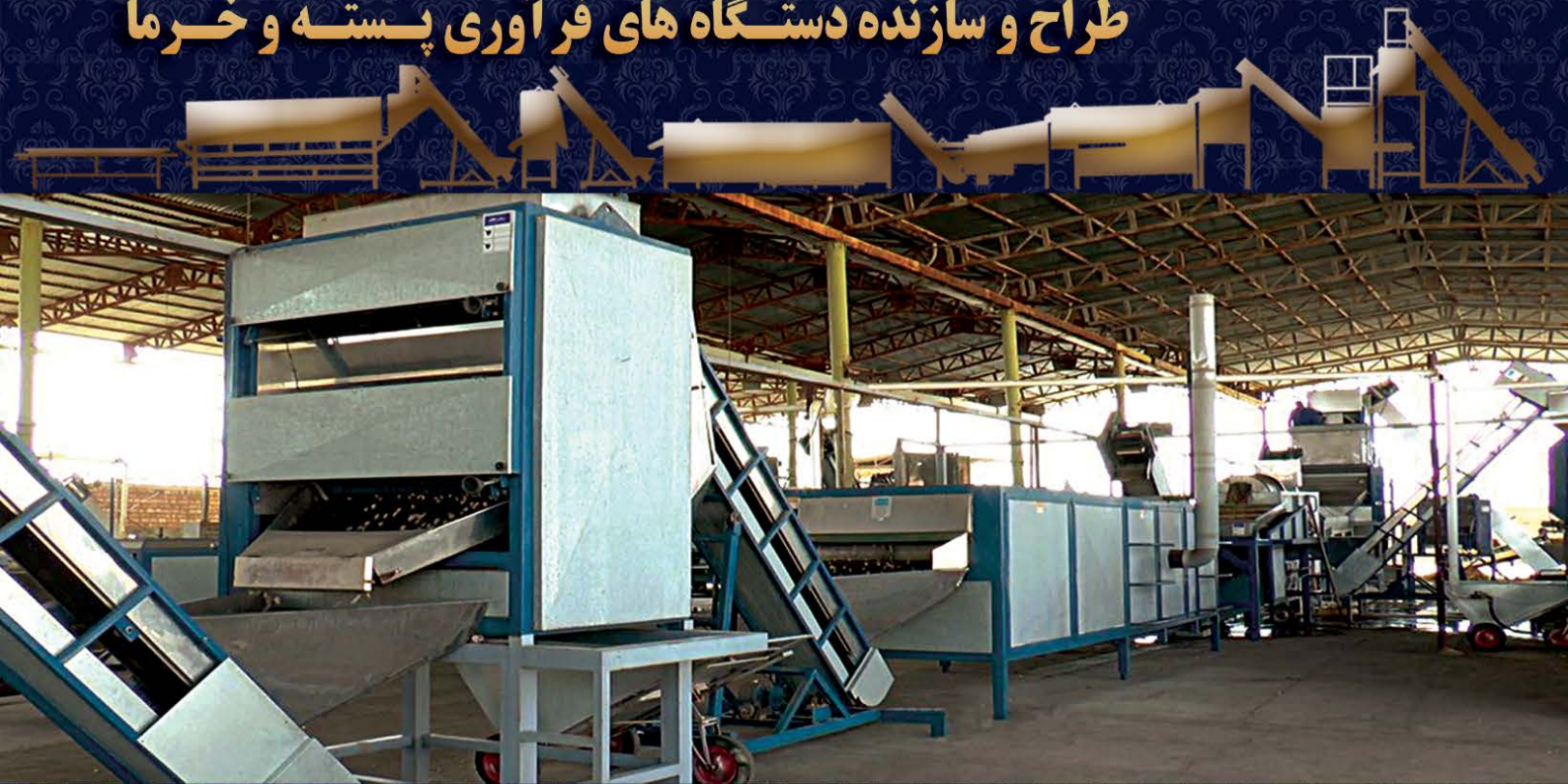
این ضرب‌المثل «فلغل نبین چه ریزه، بشکن ببین چه تیزه» برای توجه کردن به یکی از مسائل مهم کشور یاری می‌کند، و آن را در خاطر ما نگه می‌دارد تا هر وقت با این مسأله مواجه شدیم، بگوییم «فلغل نبین چه ریزه».

من هر بار درباره لزوم صرفه‌جویی در آب شرب و بهداشتی خانه‌ها نوشته یا مطلبی منتشر کرده‌ام، گروهی برایم چیزی شبیه به این جملات را نوشته‌اند: «نود درصد آب کشور در کشاورزی مصرف می‌شود، حالا شما گیر داده‌ای به این پنج شش درصد آب شرب؟ ... حالا این حمام و دستشویی رفتن مردم شد عامل کم‌آبی؟ چرا فکری به حال



شرکت کاراکرمان

طراح و سازنده دستگاه های فرآوری پسته و خرما



Kara Company

First Iranian Manufacturer & Designer
of Pistachio & Date Processing Machinery

دارای بزرگترین شبکه خدمات پس از فروش

خطوط کامل فرآوری پسته با ظرفیت ۳ تا ۱۰ تن در ساعت

انواع خندان جداکن و خشک کن های پیوسته و خط جدید خندان کن پسته

☎ ۰۹۱۳ ۱۴۳ ۰۹۹۷ 📞 ۰۹۱۳ ۱۴۱ ۸۹۵۴ 📠 ۰۳۴ ۳۳۲۱ ۴۰۰۰

www.karaco.ir

sales@karaco.ir

آدرس: کرمان، جاده جوبار شهرک صنعتی شماره یک کد پستی: ۷۶۳۵۱۹۴۸۴۸ صندوق پستی: ۱۱۱-۷۶۱۳۵



S.N.P.CO

SIRJAN **NAVID** PISTACHIO Co.

شرکت بازرگانی نوید پسته سیرجان



Tel: +98 344 220 5800 +98 344 220 5801

Fax: +98 344 220 5620



Momtazan Industrial Co.

شرکت صنایع ممتازان



شرکت صنایع ممتازان کرمان

اولین ابداع کننده سیستم فرآوری محصول پسته به روش تمام اتوماتیک و کاملاً بهداشتی با بیش از ۳۰ سال سابقه و تجربه، ترمینال های فرآوری زیر را عرضه می نماید.

- ترمینال های پوست گیری ، پاک سازی، و جداسازی
- ترمینال های خشک کن پیوسته پسته
- ترمینال های برشته کن پسته
- ترمینال های خندان کن پسته (MO)
- ترمینال های مغز کن پسته
- دستگاه تولید باد، مقابله با سرمازدگی



- Pistachio Processing HL 6000 RW
- Continous Moving Drier CMD 8000 Model
- Storag AND Sorting

- A ترمینال فرآوری پسته مدل: HL 6000 RW
- B ترمینال خشک کن پیوسته مدل: CMD 8000
- C ترمینال ذخیره سازی و جداسازی: HL 6000 RW

Email: info@momtazan.com

Email: Tehran_office@momtazan.com

تلفن : ۰۲۱-۷۸ ۱۸ ۷۰ ۶۱ ۸۸-۰۲۱ فکس : ۰۲۱-۸۸ ۶۱ ۱۸ ۶۹-۰۲۱
تلفن : ۰۳۴-۰۰۶ ۲۵ ۷۵ ۳۲-۰۳۴ فکس : ۰۳۴-۰۰۷ ۲۵ ۷۵ ۳۲-۰۳۴

دفتر تهران: بزرگراه همت ، خیابان شیراز جنوبی، نبش خیابان علیخانی ، پلاک ۱۲
دفتر مرکزی و کارخانه: کرمان ، کیلومتر ۵ جاده زنگی آباد

Tehran Office: No.12, Corner of Alikhani St, Southern of Shiraz Ave, Hemmat Highway, Tehran- IRAN Tel: (+9821) 88 61 18 70 - 78 Fax: (+9821) 88 61 18 69

Central Office & Factory: 5 th Km of Zangiabad Road, Kerman-IRAN

Tel: (+9834) 32 75 25 00-6 Fax: (+9834) 32 75 25 07

AMIN FARMS



طرح شراکتی امین پدیدار

با بیش از ۱۰ سال سابقه اجرا

راه حل مدیریت نوسانات قیمت پسته

باهداف

بالا بردن سرعت فرآوری
جلوگیری از ضرر و زیان اقتصادی باغداران و صادر کنندگان
اطمینان از فروش پسته و دریافت وجه آن
کاهش اضطراب ناشی از نوسانات بازار
افزایش امنیت نگهداری محصول



از شما دعوت می شود به ۲۵۰ باغداری پیوندید که هم اکنون در این طرح مشارکت دارند

رفسنجان، خیابان مطهری، نبش مطهری ۵۲

همراه: ۰۹۱۳ ۱۹۱۲۱۲۱

فکس: ۰۳۴ ۳۴۳۲۲۲۸۶

تلفن: ۰۳۴ ۳۴۳۲۰۵۶۰

website: www.aplgp.com

email: a.alizadeh@aplgp.com

KHANDAN



صرافی خندان

با مجوز رسمی از بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

شماره ثبت : ۴۵۶۳۵

دریافت انواع حواله های بین المللی

همگام و همراه با صادرکنندگان خشکبار در بازارهای جهانی

۰۹۱۲۱۰۸۷۱۷۵

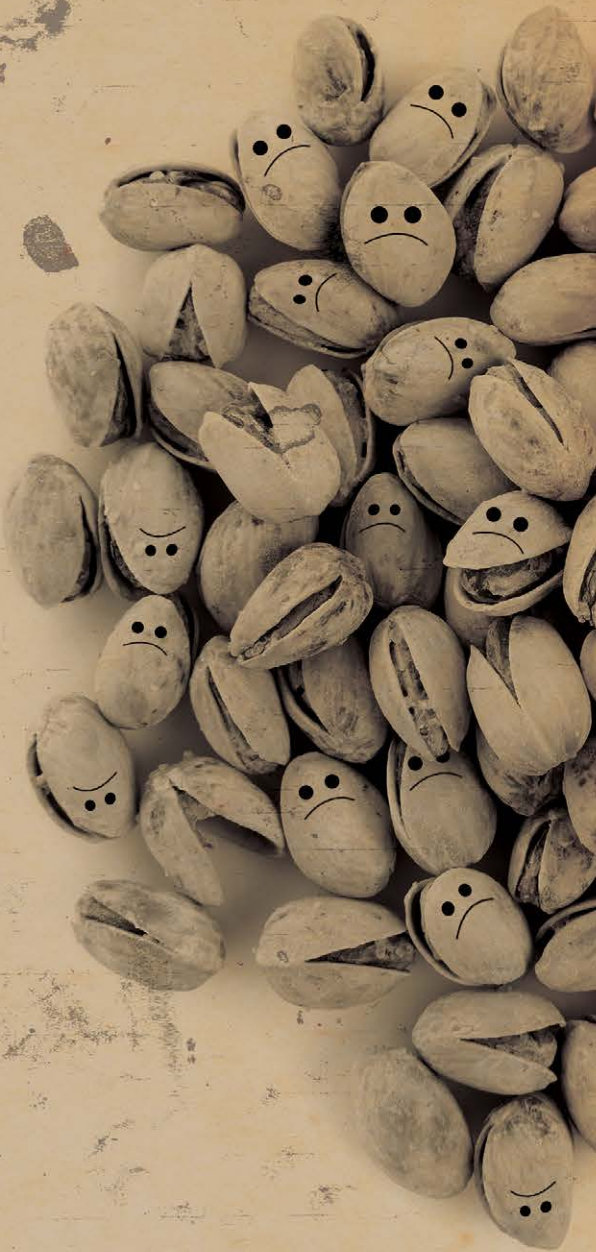
۰۷۱۳-۳۶۰۷۷۰۰-۲

اولین ارائه دهنده خدمات پسته و مغز پاک

۹۸% قبولی*

بدون افلاتوکسین

با تضمین قبولی تست مکرر افلاتوکسین بر اساس
استاندارد اروپا با حداقل ضایعات ممکن



شرکت نگین سیاره سبز



دارای گواهی‌های ISO 9001 , HACCP , FSSC 22000

☎ ۰۳۴-۳۲۶۱۳۰۶۸  www.nssco.ir

* آمار بالای ۹۸% قبولی بار در سختگیرترین مبادی ورودی اروپا در ۷ سال گذشته